

بحران خوزستان در سال ۱۳۵۸ ش (با تکیه بر نقش عوامل داخلی و خارجی)

روح‌الله شریفی مرجقی^۱ / یعقوب خزائی^۲ / عبدالرفیع رحیمی^۳ / باقرعلی عادلفر^۴

چکیده

بحران خوزستان در سال ۱۳۵۸ ش از مباحث مهم زمینه‌ساز جنگ ایران و عراق است. دولت عراق و سایر دولت‌های عربی همراه، به پشتوانه آمریکا به قصد بهره‌برداری در این بحران وارد شدند. هدف آنان از ورود به بحران خوزستان تجزیه این استان نفتی و ضمیمه کردن آن به خاک عراق بود. بنابراین عراق و دولت‌های همراه در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، «سازمان سیاسی خلق عرب» را ایجاد و از آن و گروه‌های همسویش پشتیبانی کردند. البته نقش «شیخ شبیر خاقانی» و ائتلاف وی با تجزیه‌طلبان عرب هم در این بحران قابل توجه است. اقدامات خلق عرب موجب ایجاد دوگانگی و درگیری در خرمشهر و زیاد شدن اختلافات گردید. در چنین شرایطی هیئت‌های سیاسی نیز از سوی حضرت امام خمینی و دولت موقت برای مذاکره به خرمشهر رفت و آمد می‌کردند؛ اما از این مذاکرات نتیجه‌ای حاصل نشد. ادامه بحران منجر به بروز درگیری‌های شدید چهارشنبه ۹ خرداد ۱۳۵۸ شد که در آن، جریان خلق عرب موقتاً سرکوب گردید. ولی این خاتمه مآجرا نبود و

۱. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

r.sharifi1397@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
y.khazaei@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
aghabeigom@yahoo.com

۴. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
badelfar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵ نوع مقاله: علمی - پژوهشی

پس از وقایع این روز، خلق عرب تلاش بیشتری را برای تسلط بر خوزستان و خرمشهر انجام داد تا جایی که بسیاری از خانواده‌ها از شهر مهاجرت کردند. درحالی‌که کسی آمیدی به پایان بحران نداشت، خلق عرب تأمین‌کنندگان امنیت خرمشهر را به شهادت رساند و با وقایع پس از آن، همه‌چیز تغییر کرد و بحران خلق عرب برای همیشه پایان یافت. شیخ شبیر خاقانی محترمانه به قم تبعید گردید و مراکز پشتیبانی عراق از خلق عرب در خوزستان هم تعطیل شدند. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از اسناد، روزنامه‌ها و کتاب‌ها فراز و فرود بحران خوزستان در سال ۱۳۵۸ ش را با تکیه بر نقش عوامل داخلی و خارجی بررسی می‌نماید. پرسش اصلی این است که بحران خوزستان از شکل‌گیری تا پایان آن چه سیری داشت و نقش عوامل داخلی و خارجی در آن چه بود؟ به نظر می‌رسد نقش عوامل خارجی به‌ویژه دولت عراق و برخی علل محلی و منطقه‌ای در بروز بحران خوزستان تأثیرگذار بوده است.

واژه‌های کلیدی: خوزستان، خرمشهر، عراق، شیخ شبیر خاقانی، سرلشکر مدنی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Khuzestan Crisis in 1979
(Focusing on the Role of Domestic and Foreign Factors)

Ruhollah Sharifi Marjehali¹/Yaghoub Khazaei²/Abdolrafi Rahimi³/Bagherali Adelfar⁴

Abstract

The Khuzestan crisis of 1979 is one of the significant discussions that laid the groundwork for the Iran-Iraq War. The Iraqi government, along with other Arab states, entered this crisis with the backing of the United States, intending to exploit the situation. Their goal in entering the Khuzestan crisis was to disintegrate this oil-rich province and annex it to Iraq. Therefore, in the early days following the victory of the Islamic Revolution, Iraq and its allied states established the "Arab People's Political Organization" and supported it and its aligned groups. The role of "Sheikh Shubir Khaghani" and his coalition with the Arab separatists is also noteworthy in this crisis. The actions of the Arab People created duality and conflict in Khorramshahr and increased tensions. In such conditions, political delegations were sent by Imam Khomeini and the provisional government to Khorramshahr for negotiations; however, no results were achieved from these talks. The continuation of the crisis led to severe clashes on Wednesday, May 29, 1979, during which the Arab People's movement was temporarily suppressed. Yet, this was not the end of the story, and following the events of that day, the Arab People made greater efforts to dominate Khuzestan and Khorramshahr, leading many families to migrate from the city. While no one held hope for the end of the crisis, the Arab People's forces killed the protectors of Khorramshahr's security, and with the events that followed, everything changed, and the Arab People's crisis came to an end forever. Sheikh Shubir Khaghani was respectfully exiled to Qom, and the support centers of Iraq for the Arab People in Khuzestan were also shut down.

¹. PhD Student in History of the Islamic Revolution, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.(Corresponding Author)

². Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

³. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

⁴. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

This article, using a descriptive-analytical method and drawing on documents, newspapers, and books, examines the ups and downs of the Khuzestan crisis in 1979, focusing on the role of internal and external factors. The main question is what trajectory the Khuzestan crisis followed from its formation to its conclusion, and what was the role of internal and external factors in it? It seems that the role of external factors, especially the Iraqi government and certain local and regional causes, was influential in the emergence of the Khuzestan crisis.

Keywords: Khuzestan, Khorramshahr, Iraq, Sheikh Shubir Khaghani, General Madani



مقدمه

کشمکش‌ها و اختلافات مرزی ایران و عراق از دوران عثمانی وجود داشت اما اختلافات عمیق بر سر مالکیت اروندرود ریشه در تشکیل کشور عراق دارد. این اختلافات پیوسته موجب درگیری لفظی مقامات دو کشور و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای بی‌نتیجه بسیار بود. با به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق و رویکردهای ناسیونالیستی آن، درگیری‌های خونینی بین دو کشور روی داد و دو طرف به شدت از معارضان دولت‌های مقابل حمایت کردند. ادامه این روند طی چند سال و تحلیل توان دو کشور، منجر به توافقی شکننده بین آنها شد.

عراق در حالی معاهده ۱۹۷۵م الجزایر^۱ را امضا^۲ کرد که در موضع ضعف^۳ قرار داشت. بر اساس این معاهده در ازای قطع حمایت ایران از معارضان کُرد عراقی، خط تالوگ^۴ (خط القعر) در اروندرود به عنوان مرز آبی دو کشور شناخته شد. مقامات بعثی در ابتدا تظاهر به رضایت از معاهده^۵ می‌کردند ولی بنا به خاطرات مقامات عراقی و منابع موجود^۶، مقامات و مردم عراق از معاهده رضایت نداشتند و آن را تحمیلی می‌دانستند. بنابراین دولت بعثی از همان روز امضای قرارداد در پی راهی برای برون‌رفت از قرارداد بود.

عراق به مدت هفت سال همواره به تقویت بنیه نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی خود پرداخت و به انتظار فرصت مناسب نشست. این فرصت با پیروزی انقلاب اسلامی ایران فراهم گردید. هنگامی که ایران در ضعف قرار داشت؛ عراق به تحقق اهدافش امیدوار شد و به فرصتی طلایی دست یافت. افزون بر این، با سرنگونی حکومت پهلوی خلاء قدرت در خاورمیانه ایجاد شد. نیاز

۱ برای اطلاع از متن کامل بیانیه الجزایر و معاهدات و پروتکل‌های مربوط به آن ن.ک: (الکواری، ۱۳۸۷: ۴۸۴ تا ۳۶۳)؛ (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۱۶۲-۱۶۱).

۲ برای اطلاع از ریشه‌های معاهده الجزایر ن.ک: (قائمی فرد، ۱۳۸۸: فصول ۷ و ۶). همچنین برای اطلاع از چگونگی انعقاد این معاهده ن.ک: (الکواری، ۱۳۸۷: ۱۵۹-۱۶۰)؛ (تیمرم، ۱۳۸۲: ۷۱ تا ۶۹)؛ (کاگلن، ۱۳۸۳: ۱۹۱-۱۹۰)؛ (میلر و میلروی، ۱۳۷۰: ۱۷۹)؛ (والدهایم، ۱۳۶۶: ۲۵۲)؛ (هدایتی خمینی، ۱۳۷۰: ۶۴).

۳ برای اطلاع از برتری آشکار ایران در معاهده الجزایر ن.ک: (کارش، ۱۳۸۷: ۱۵۱)؛ (درویدیان، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

4 Talweg

۵ برای اطلاع بیشتر از تظاهر عراق به رضایت از معاهده ن.ک: (الکواری، ۱۳۸۷: ۱۶۹)؛ (دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۱: مقدمه، بیست و یک).

۶ برای اطلاع بیشتر از نارضایتی مقامات و مردم عراق از معاهده ن.ک: (تیمرم، ۱۳۸۲: ۱۶۴-۷۲-۷۱)؛ (کاگلن، ۱۳۸۳: ۱۹۲-۲۷۴)؛ (کینگ، ۱۳۸۷: ۳۱)؛ (والدهایم، ۱۳۶۶: ۲۵۳)؛ (هدایتی خمینی، ۱۳۷۰: ۱۲۵)؛ (السامرای، ۱۳۹۱: ۲۵۹).

به ژاندارمی جدید در منطقه و نیز مهار ایران انقلابی، عراق را به مقابله با ایران ترغیب کرد. در این زمان «احمد حسن البکر»^۱ به طور اسمی بر عراق حکومت می‌کرد و تصمیم‌گیر اصلی صدام^۲ بود که با آغوش باز طرح آمریکایی‌ها را پذیرفت.

شاید اولین گام عراق در این مقابله، تشکیل کمیته‌های مطالعات درباره اوضاع ایران و چگونگی ضربه زدن به کشور ما بود. گام بعدی پناه‌دادن به بعضی مقامات^۳ دولتی و سران ارتش حکومت پهلوی و فعالیت آزادانه آنان در عراق به حساب می‌آمد. قدم بعد، دخالت عراق در تشدید آشوب‌های کردستان بود که از ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ آغاز شد.

اما نقطه اوج دخالت عراق در اوضاع داخلی ایران، ورود این کشور به بحران‌سازی در خوزستان بود که با ایجاد و تقویت جریان خلق عرب شکل رسمی به خود گرفت. صدام و یارانش سرمایه‌گذاری سنگینی برای تجزیه خوزستان انجام دادند. آنان ابتدا سازمان سیاسی خلق عرب را از دل «حزب التحریر» به وجود آوردند و بعد «کانون فرهنگی خلق عرب» را که با آن همسویی داشت ایجاد کردند. دولت بعثی سپس افرادی را پیرامون شیخ خاقانی^۴ نفوذ داد

۱. در ژوئیه ۱۹۶۷ حزب بعث به رهبری حسن البکر به زمام‌داری کشور عراق رسید. حسن البکر تا سال ۱۹۷۹ م رئیس جمهور و رئیس حزب بعث باقی ماند و بعد از آن، صدام که سمت معاونت او را در پست‌های ریاست جمهوری، صدارت و حزب به عهده داشت؛ عاقبت جانشین وی شد. (قانع‌ی فرد، ۱۳۸۸: ۹۳۸)

۲. «از اواسط دهه ۱۹۷۰ م به بعد، این صدام بود که بر کشور حکومت می‌کرد...» (کاگلن، ۱۳۸۳: ۲۴۲). برای اطلاع بیشتر ن.ک: (الساقی، ۱۳۸۷: ۲۴ تا ۱۹)؛ (تیمرم، ۱۳۸۲: ۱۲۱-۷۶-۷۵).

۳. منظور، فعالیت‌های آزادانه «شاپور بختیار»، «تیمسار غلامعلی اویدی»، «تیمسار عزیزالله پالیزبان»، «سردار جاف» و ایادی آن‌ها در عراق است. در اسناد مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و روزنامه‌های آن دوره نظیر کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به موارد متعددی از این موضوع پرداخته شده است. برای اطلاع بیشتر ن.ک: (درودیان، ۱۳۸۵: ۲۲۱-۲۲۰)؛ (حسین قزل‌ایاق، ۱۴۰۰: ۳۹۵-۳۵۰-۳۴۹).

۴. محمدطاهر آل‌شبیخ خاقانی در سال ۱۲۸۹ ش در خرمشهر به دنیا آمد. خاندان وی از خاندان‌های علمی شیعه بودند که ریشه در قرن ۱۲ هجری داشتند. شیخ شبیر دوره مقدماتی علوم دینی را نزد پدرش «شیخ عبدالحمید» گذراند و سپس به نجف رفت و دروس عالی فقه و اصول را از اساتید مطرح آن حوزه مانند «سید ابوالحسن اصفهانی» و «میرزا محمدحسین نائینی» فراگرفت. او چندین اجازه اجتهاد و روایت از اساتید بنام نجف دریافت کرد و فلسفه و حکمت را هم از آن حوزه آموخت. (جواهر کلام، ۱۳۸۳: ۱۷۱۲/۳-۱۷۱۱) شیخ شبیر بعد از وفات پدرش به خرمشهر بازگشت و به تدریس، فتوا دادن و رسیدگی به امور مقلدان پرداخت. او از سال ۱۳۴۹ ش و پس از ساخت مسجد امام صادق (ع) آن مکان را پایگاهی برای تبلیغ دین و موضع‌گیری‌های سیاسی قرار داد. شخصیت علمی شیخ شبیر باعث شاگردی بسیاری از روحانیان جوان خوزستان نزد او شد. چنان‌که «غلامحسین جمی» که از نیروهای انقلابی آبادان بود نیز در مقطعی به

تا بتواند از مرجعیت وی در منطقه، سوءاستفاده لازم را بکند. دولت بعثی عراق همه توان خود را برای کمک به جریان خلق عرب و تجزیه خوزستان به کار برد. مبالغ و سلاح‌های اهدایی عراق بسیار زیاد بود. جنگ تبلیغاتی شدید از ابعاد دیگر کمک‌های عراق برای تشدید بحران محسوب می‌شد. البته همه این نقشه‌ها با تلاش مردم خوزستان نقش بر آب شد و بحران خوزستان ظرف چند ماه خاتمه یافت.

در این مقاله بنا داریم ابعاد مختلف بحران خوزستان در سال ۱۳۵۸ ش را با تکیه بر نقش عوامل داخلی و خارجی مورد توجه قرار دهیم. از آنجایی که تاکنون پژوهشی همه‌جانبه و دقیق در این خصوص صورت نگرفته، ضرورت دارد تا بدان پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه موضوع باید گفت هیچ پژوهش یا مقاله‌ای که به طور خاص به موضوع بحران خوزستان در سال ۱۳۵۸ ش بپردازد، یافت نشده است اما در کتاب‌های زیر مطالبی در این مورد وجود دارد:

– کتاب «بحران در خوزستان» اثر حسین یکتا که مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چاپ دوم آن را در سال ۱۳۸۷ منتشر کرد. این کتاب، روزشمار وقایع جمهوری اسلامی از تاریخ ۱۷ اردیبهشت تا ۲۵ تیر ۱۳۵۸ است که در میان وقایع مورد اشاره به وقایع خوزستان نیز پرداخته است. کتاب یاد شده منبع بسیار خوبی برای مطالعه بحران خوزستان به حساب می‌آید ولی رویکرد آن بیشتر روزنامه‌نگارانه است تا پژوهشی، و همین تفاوت عمده آن با مقاله حاضر است.

– کتاب «خرمشهر در جنگ طولانی» اثر مهدی انصاری، محمد درودیان و هادی نخعی که مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چاپ سوم آن را در سال ۱۳۸۷ انتشار داده است. فصول ابتدایی این کتاب به صورتی اجمالی به بحران خوزستان در سال ۱۳۵۸ ش پرداخته است ولی بیشتر کتاب مربوط به وضعیت خرمشهر در طول جنگ است. مقاله حاضر

شاگردی شیخ رفته بود. (جمی، ۱۳۸۵: ۲۷) البته شیخ شبیر خاقانی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسیری متفاوت با گذشته خود پیمود که در مقاله حاضر به این برهه از زندگی وی می‌پردازیم. برای اطلاع بیشتر از شیخ شبیر خاقانی و آگاهی از روایت‌های مختلف درباره او ن.ک: (قنوتی، ۱۴۰۱: ۱۳۶-۱۱۶).

با این کتاب در بهره‌گیری بیشتر از اسناد مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و روزنامه‌های آن دوره تفاوت دارد.

– کتاب «تاریخ تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران» اثر احمد رضا شاه‌علی و احسان موحدیان که مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را در سال ۱۳۹۷ منتشر کرده است. این کتاب به بررسی وقایع روی‌داده بین ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۳ آبان ۱۳۵۸ می‌پردازد و در ضمن صفحاتی محدود به بحران خوزستان در سال ۱۳۵۸ ش نیز اشاراتی می‌نماید. تفاوت عمده مقاله حاضر با این اثر تبیین تفصیلی نقش عراق در آن بحران است. تفاوت دیگر استفاده از اسناد است که اثر یادشده فاقد آن است.

– آخرین منبعی که می‌توان به آن اشاره کرد کتاب «خلق عرب در خوزستان (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران)» است. این کتاب را عبدالحمید حلمی، محسن فخر و محسن رستمی نوشته‌اند و دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی چاپ اول آن را در سال ۱۳۹۸ منتشر کرده است. اثر مورد اشاره به ریشه‌های تاریخی بحران در خوزستان از اواخر دوره قاجار تا بحران‌های حال حاضر این منطقه پرداخته است. این کتاب در دو فصل به بحران خوزستان در سال ۱۳۵۸ ش پرداخته، ولی ضعف اساسی آن فقدان هر گونه منبع‌دهی و ارجاع است اما مطالب درخور توجه زیادی در اثر یادشده وجود دارد. تفاوت مقاله حاضر با این کتاب بیشتر ناظر بر رعایت استانداردهای پژوهشی در ارجاع و منابع و استفاده درست از اسناد است.

۱- بحران خوزستان

۱-۲-۱- از شکل‌گیری تا پایان بحران خلق عرب

۱-۲-۱- شکل‌گیری جریان خلق عرب

سازمان خلق عرب در اوایل اسفندماه ۱۳۵۷ تأسیس شد. در این زمان کمیته انقلاب اسلامی خرمشهر از گروه‌های نامتجانسی مانند شیوخ وابسته عشایر و نیروهای مذهبی تشکیل گردید که شیخ شبیر خاقانی از مراجع تقلید منطقه بر آن نظارت می‌کرد. هنوز چند روز از تشکیل کمیته نگذشته بود که تعدادی از شیوخ وابسته به عراق و عوامل آنان با اشغال ساختمان کنسول‌گری آمریکا، کمیته مستقلی به نام «کمیته عرب‌ها» تشکیل دادند. این کمیته ابتدا «مرکز مجاهدین عشایر» خوانده شد و پس از مدتی «ستاد رزمندگان» نام گرفت و در نهایت هم به سازمان

سیاسی خلق عرب خوزستان مبدل گردید (حلمی و همکاران^۱، ۱۳۹۸: ۹۵؛ اخبار روز، ۱۳۹۲؛ پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، بی‌تا).

عده دیگری از شیوخ عرب با همکاری نیروهای تجزیه طلب، کانون فرهنگی خلق عرب را تشکیل دادند و خواستار مبارزه علیه «ارتجاع عرب و فارس» شدند و سعی نمودند احساسات اعراب خوزستان را به نفع خویش تحریک کنند. اسنادی که بعدها از کنسولگری عراق در خرمشهر به دست آمد، ثابت کرد که ایادی حزب بعث با اعضای این کانون ارتباط برقرار نموده و زمینه‌های عملیات مسلحانه آنان را فراهم کرده بودند. همچنین اعضای کانون برای رفتن به بصره و گذراندن دوره‌های نظامی از مرز دو کشور عبور می‌نمودند (پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، بی‌تا). لازم به ذکر است آنچه از مطالعه بیشتر منابع موجود^۲ و روزنامه‌های آن دوره به دست می‌آید این است که کانون فرهنگی خلق عرب پیوندهای مستحکمی با سازمان سیاسی خلق عرب داشت و علناً از خودمختاری خوزستان حمایت می‌کرد (شاه‌علی و موحیدیان، ۱۳۹۷: ۴۷۰/۱).

دیگر سازمان هم‌سو و شاید به نوعی پدر معنوی جریان خلق عرب، جبهه‌التحریر اهواز بود که با توجه به عدم مخالفت جمهوری اسلامی با احزاب و جریان‌های سیاسی، با هدایت سازمان اطلاعاتی عراق در خرمشهر اعلام موجودیت نمود. این جبهه با توصیه انگلیس و هدایت لژ فراماسونری بصره و مصر با هدف ایجاد حرکات تجزیه طلبانه در ایران فعال شد. عملکرد بعدی این جبهه نشان داد که برنامه‌ریزی وسیعی برای ضربه به ساختار امنیتی، اقتصادی، سیاسی و زیرساختی ایران در خوزستان از سوی جبهه‌التحریر انجام شده بود (حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۸).

گروه دیگری که با جریان خلق عرب هم‌راستا بود؛ گروه «مجاهدین عرب مسلمان» نام داشت که در اوایل سال ۱۳۵۸ ش تشکیل گردید. فردی به نام «شاکر شکوری» مسئولیت این گروه را بر عهده داشت و یک روحانی به نام «سید علی عدنانی» هم با وی همکاری می‌نمود.

۱. به دلیل کمبود منابع کتابخانه‌ای درباره موضوع مقاله حاضر، از این منبع کمی بیشتر از حد استانداردهای پژوهشی استفاده شده است.

۲. مقصود، منابع استفاده شده در مقاله حاضر است که شامل بیشتر منابع نگارش یافته در حوزه بحران خلق عرب است.

گروه مجاهدین دارای بافت فکری مذهبی با عرق ناسیونالیستی بود (حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۸).

بررسی شعارهای اصلی سازمان‌ها و گروه‌های یاد شده که در واقع همه آنها را می‌توان زیر عنوان کلی خلق عرب نامید، گویای خط گرفتن آنان از خارج مرزها است. بعضی از این شعارها که در راستای تشدید مسئله قومیت عربی و دستیابی به تجزیه خوزستان بود عبارتند از: به رسمیت شناختن زبان عربی به عنوان زبان اول تحصیل اعراب و آموزش آن در همه مقاطع تحصیلی، تشکیل مجلس عربی در خوزستان برای تصویب قوانین محلی، تشکیل دادگاه‌های عربی، مصرف نفت اول در خوزستان و بعد در دیگر نواحی، انتخاب همه مسئولان خوزستان از عرب‌زبانان، انتخاب نمایندگان عرب در مجلس شورای ملی، مشارکت در ارتش ملی و آموزش افسران عرب در دانشکده‌های افسری و در نهایت نامیدن شهرها و روستاهای خوزستان به اسامی قدیمی و درج این بندها در قانون اساسی جمهوری اسلامی. (شاه علی و موحدیان، ۱۳۹۷: ۴۷۱/۱)

در واقع جریان خلق عرب با طرح این گونه مطالبات و دست‌نهادن بر بعضی مشکلات اجتماعی - اقتصادی دست به تحریک اعراب خوزستان زد.

۱-۲-۲- حمایت عراق و کشورهای خارجی از جریان خلق عرب

منشأ تشکیل بسیاری از گروه‌های عربی تجزیه‌طلب در نخستین ماه‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه «جبهه التحریر»^۱ بود که در سال ۱۳۴۸ ش با تأثیر از حزب بعث عراق و حمایت مادی و معنوی این کشور تشکیل شد و به مجری منویات بعثی‌ها در خوزستان تبدیل گردید. با توجه به این زمینه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، غرب - به خصوص آمریکا - و سران حکومت بعث عراق اهداف خود در ایران را توسط این حزب پیگیری می‌کردند و مراکزی با عنوان «دفاتر جبهه آزادی‌بخش خوزستان» در بصره و العماره تأسیس کرده، شروع به

۱. «جبهه التحریر عربستان» یا «جبهه آزادی‌بخش عربستان» که منظور خوزستان است پس از لغو عهدنامه مرزی ۱۳۱۶ (۱۹۳۷ م) از طرف ایران، در ژوئن ۱۹۶۹ (خرداد ۱۳۴۸) توسط دولت بعثی عراق تشکیل شد. (پارسادوست، ۱۳۸۵: پانویس‌ها، ۴۷۸)

عضوگیری برای این دفاتر^۱ کردند (شاه‌علی و موحّدیان، ۱۳۹۷: ۴۶۴/۱؛ حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۸).

در گزارش دفتر بازرسی سپاه اهواز درباره جریان‌های تجزیه‌طلب وابسته به عراق و سایر کشورهای خارجی در مورد شش گروه تجزیه‌طلب خوزستان صحبت شده که چند گروه از آنها از وابستگان به حکومت پهلوی یا گروه‌های مارکسیستی بودند؛ ولی ستون فقرات این گروه‌ها، جبهه تحریر خوزستان و وابستگان به حزب بعث عراق بوده‌اند. در این گزارش درباره گروه‌های یاد شده چنین آمده است:

«سران "جبهه التحریر" که حدود بیست سی نفر افراد دوره‌دیده دارای قدرت سیاسی و نظامی هستند و در عراق ... دوره دیده‌اند و وارد ایران شده‌اند [دیگر] دار و دسته حزب بعث عراق که تحت نام‌های مختلف از جمله "معلم" وارد مدارس عربی‌زبان خوزستان شده و می‌شوند ... این جبهه‌ها و سازمان‌ها بیشتر از خارج کشور از جمله از شیخ‌نشین‌های خلیج فارس تا عراق و مصر و دیگر کشورهای مرتجع عرب گرفته تا آمریکا و شوروی و شاه مخلوع و همچنین دشمنان داخلی تقویت می‌شوند.» (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۹۰۳۰۵)

با توجه به اسناد و مدارک گوناگون و سخنان تحریک‌آمیز و مداخله‌گرانه مقامات حزب بعث، پشتیبانی عراق از گروه‌های قومی غیرقابل‌انکار است. از یک طرف هم‌زمان با درگیری‌های مسلحانه از سوی گروه‌های قومی در خوزستان، وابستگان بعثی هم، دست به ملت‌بازی نمودن شرایط در مرزهای دو کشور می‌زدند و مقامات و رسانه‌های عراقی و کویتی هم از درخواست‌های آن‌ها پشتیبانی می‌کردند. از طرف دیگر اسنادی که پس از پاکسازی سه مرکز توطئه عراق در خرمشهر - کنسول‌گری، مدرسه عراقی‌ها و دفتر مشترک اداره اروندرود - به دست آمد؛ نشانگر برنامه‌ریزی بلندمدت رژیم بعث برای تجزیه و بی‌ثباتی خوزستان به‌وسیله بمب‌گذاری‌ها و کشتار بود. با بسته‌شدن مراکز یادشده توسط جمهوری اسلامی در پاییز ۱۳۵۸ ش، انفجارها در خوزستان به طور قابل توجهی کاهش یافت. این مسئله ثابت کرد که عراق توانایی جذب و سازمان‌دهی نیروهای بومی در ایران را نداشت و تنها به اتباع خویش تکیه نموده

۱. دولت عراق از طریق استانداری‌های بصره و عماره، مبادرت به صدور کارت‌های شناسایی برای عوامل خود می‌نمود. (دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۱: ۸۰)

بود (دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۱: ۸۰؛ شاه‌علی و موحّدیان، ۱۳۹۷: ۴۶۸/۱؛ حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۹).

دفتر هماهنگی سپاه در اهواز در گزارش خود درباره وابستگی خلق عرب به عراق و کمک این کشور از مرزها به سازمان یاد شده، می‌نویسد که همکاران اصلی سازمان، تجزیه‌طلبانی هستند که بیشتر آنان از خارج به ویژه عراق آمده‌اند؛ این دسته مورد اشاره که بعثی نیز هستند به‌رغم تضادشان با شیوخ عرب، در رابطه با هدف تجزیه با آنان به وحدت رسیده‌اند. در ادامه گزارش آمده است که یکی دیگر از مسائل مهم، مسئله باز بودن مرزهای تحت کنترل عشایر است. این گروه‌ها در واقع تنها نام عشایر را یدک می‌کشیدند و در اصل مخالفان انقلاب بودند که از طریق مرز از عراق اسلحه دریافت می‌کردند؛ افراد بعثی را به درون خوزستان راه داده، نیروهای خود را برای آموزش به عراق می‌فرستادند. (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدّس، ش.سند: ۰۹۰۳۰۷).

درباره ورود اسلحه و عوامل عراق به خاک خوزستان می‌توان به گزارش سپاه استان به سپاه مرکز نیز اشاره نمود. در این گزارش آمده است که شیوخ^۱ طرفدار دولت «بازرگان» با دخالت مستقیم فرماندار دزفول، حفاظت قسمت‌های وسیعی از نواحی مرزی شوش را عهده‌دار شدند و به آنها سلاح و مهمات لازم نیز داده شد؛ اما نتایج این کار بسیار فاجعه‌آمیز بوده است. نتایج کار بدین شرح آورده شده است:

«۱- تعداد اسلحه‌هایی که به این منطقه از طریق دولت عراق وارد ... و پخش شده حدود ۳۰ هزار قبضه کلاشینکف روسی نو با مهمات می‌باشد. ۲- عده‌ای از افسران عراقی به خاک ایران آمده و افراد مسلح‌شده را تعلیم نظامی می‌دهند. ۳- شیوخ و عوامل وابسته به ساواک ... و افرادشان دارای اردوگاه نظامی مخفی می‌باشند ... ۴- دولت عراق به شیوخ گفته است تا تعداد ۱۰ هزار قبضه اسلحه را اگر کمیته‌ها کشف کردند، دولت عراق آن‌ها را تأمین خواهد نمود. ۵- به علت باز بودن مرزها و نداشتن کنترل، شیوخ و عوامل ساواکی هر چند یک بار با اتومبیل

۱. آزاد گذاشتن دست شیوخ عرب در کنترل مرزهای شوش و دادن سلاح به آنان، ناشی از روحیه تساهل و مدارای مهندس بازرگان و قصور وزارت کشور دولت موقت ارزیابی می‌شود. برای اطلاع بیشتر از خط‌ومشی و روحیات بازرگان و دولتمردان او ن.ک: (عالمیان، ۱۴۰۱: ۲۲۵-۱۹۹)؛ (باوریان، ۱۴۰۳: ۴۴۳-۴۰۵).

سواری به خاک عراق رفته و کسب دستور می‌نمایند.» (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۹۰۲۹۹)

گزارش دیگر مأمور اعزامی دفتر هماهنگی مناطق سپاه مرکز درباره نوع حمایت‌های عراق و کویت از خلق عرب می‌نویسد که پول و اسلحه زیادی به این سازمان می‌رسد. در جای دیگر گزارش، اشاره می‌کند که اعلامیه‌های سازمان را معلمینی که از عراق می‌آیند، برایشان می‌نویسند. در این گزارش درباره جریان‌های وابسته درون خلق عرب آمده که گروه اول، تجزیه‌طلبان و کمونیست‌ها هستند که به وسیله دولت بعثی حمایت می‌شوند و چون این گروه نسبت به شیوخ عرب خیلی باسوادترند، تئوریسین سازمان به حساب می‌آیند. گروه دوم کانون فرهنگی عربی‌اند که شامل تجزیه‌طلبان و کمونیست‌هایی هستند که تازه از زندان شاه آزاد شده‌اند و این کانون را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با ریشه قومی و کمونیستی به وجود آوردند. درباره وابستگی کانون فرهنگی به کویت در گزارش آمده است که «شخصی به نام عامر که از افسران نظامی و آگاهی کویت است [و] ... مدیر شرکت نفت نیز می‌باشد؛ پولی بیش از دو میلیون تومان و مقدار زیادی اسلحه بین افراد کانون فرهنگی پخش نموده است ...» (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۹۰۲۸۸).

گزارش مذکور پیوستی هم دارد که از بررسی مفاد آن اوضاع نابسامان خرمشهر در اثر دخالت‌های عراق به دست می‌آید. نکات مهم این پیوست بدین شرح می‌باشد: ۱- روستاهای اطراف خرمشهر و خانه‌های بسیاری در خود شهر اسلحه نگهداری می‌کنند و خرید و فروش اسلحه به وفور دیده می‌شود. ۲- بعضی از مقامات ارشد ژاندارمری و شهربانی در جلسات خلق عرب شرکت و از آنان هواداری می‌نمایند. ۳- مرزها فاقد کنترل و هر روز فشنگ برنو از عراق وارد می‌شود. ۴- در دست اعراب اسلحه‌های روسی و مصری به وفور دیده می‌شود که همگی از عراق قاچاق شده‌اند (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۹۰۲۸۸).

درباره توزیع اسلحه بین اعراب خوزستان از راه‌های مختلف، توسط عراق گزارش‌های زیادی وجود دارد که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم. بر اساس نامه ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور، نیروی دریایی عراق تعدادی قایق گشتی مسلسل‌دار برای کنترل نوار مرزی به اروندرود اعزام کرده بود. مأموران مستقر در این قایق‌ها ضمن کنترل نوار مرزی به اعرابی که با

آنان ارتباط می گرفتند و شناسنامه خود را واگذار می کردند یک قبضه سلاح کلاشینکف و هزار فشنگ تحویل می دادند (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۳۴۶۷۸).

در یکی از مأموریت های سپاه از یک لنج که از شهر بندری بصره عراق در حال عزیمت به خرمشهر بود، چهارهزار قبضه سلاح کلاشینکف کشف گردید. در نواحی مختلف از جمله منطقه بستان، دشت آزادگان، فکه، شوش و ... هم مقادیر بسیاری سلاح انفرادی مانند کلاشینکف، آر. پی. جی و ... به دست آمد. (حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۹)

درباره توزیع غیرقانونی اسلحه عراقی بین اعراب خوزستان در اولین ماه های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در یکی از اسناد مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به نقل از «سردار غلامعلی رشید» - مسئول وقت اطلاعات و عملیات سپاه دزفول - آمده است که وی در مدت مسئولیت خود شاهد بوده «در مرز ایران و عراق در پاسگاه های فکه و ربوط، عراقی ها تریلی کانکس دار آورده بودند که پر از اسلحه، مهمات و نارنجک نو بود و به سران شیوخ عرب می گفتند هر شیخ هر چند نفر را که می تواند مسلح کند، بیاید اسلحه بگیرد. خیلی ها رفتند و در روز روشن با وانت اسلحه آوردند». سردار رشید در انتهای توضیحات خود می گوید که در سال ۱۳۵۸ اسلحه های بسیاری مصادره و به سپاه مرکز تحویل داده شد (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش. سند: ۴۵۰۸۰۷).

مسئله رساندن سلاح به اعراب خوزستان به حدی برای عراق اهمیت داشت که بنا به گزارش دایره اطلاعات ژاندارمری کشور، حتی خود صدام - رئیس وقت شورای انقلاب عراق - «شخصاً به مرز ... عزیمت و بین عشایر مرزنشین عرب اسلحه توزیع نمود ...» (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۵-۰۳۳۶۴۵) توزیع سلاح تنها به خوزستان محدود نماند و بین مرزنشینان مناطق مجاور ایلام با خوزستان نیز ادامه یافت. این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار بود که بنا به نامه مدیریت اطلاعات نیروی دریایی به وزارت کشور «صدام و برادرش جهت تقسیم پول و سلاح در مناطق مرزی دهلران و موسیان بین مرزنشینان این منطقه حاضر شده اند.» (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۳۴۶۷۳) نکته جالب توجه اینکه مسئله توزیع سلاح بین تجزیه طلبان عرب و کمک های مالی به آنان توسط صدام به قدری غیرقابل انکار است که حتی نویسندگان آمریکایی کتاب «درس های جنگ مدرن» آن را تأیید می کنند. (کردزمن^۱ و

¹ Cordesman

واگنر^۱، ۱۳۹۰: ۶۵-۶۴). موضوع قاچاق سلاح به خوزستان به قدری حاد شده بود که حتی اعتراض دانشجویان بصره را برانگیخت و سازمان امنیت بصره گروهی از آنان را در این اعتراض دستگیر کرد (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۳۴۶۷۹).

حمایت دیگر عراق از جریان خلق عرب، پذیرفتن اعضای این سازمان برای دیدن آموزش-های نظامی در عراق بود. برای نمونه در تلگراف ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور آمده: «... سازمان خلق عربستان در عراق حدود ۱۶۰ نفر ایرانی عرب‌زبان را به پادگان محمدقاسم برای آموزش اسلحه‌شناسی و مواد منفجره اعزام نموده است. این افراد تحت نظر سازمان امنیت بصره می‌باشند و به وسیله افسران عراقی آموزش داده می‌شوند» (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۳۴۶۸۲).

مطلب دیگری که از لابه‌لای اسناد درباره تحرکات حمایتی عراق از جریان خلق عرب به دست می‌آید، تردهای غیرمجاز ماشین‌های عراقی در مرزهای خوزستان است که برای شناسایی منطقه یا انتقال افراد و مهمات انجام می‌شد. نمونه‌هایی از این دست در اسناد بسیار است که تنها به دو مورد اشاره می‌کنیم. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی در نامه‌ای به نخست‌وزیری گزارش کرده که نوه «شیخ خزعل» به همراه رئیس استخبارات ارتش عراق، رئیس شرطه و فرمانده لشکر پنج بصره، همراه با تعدادی از افسران فراری ایرانی، از نوار مرزی بازدید و شناسایی به عمل آورده و پس از عکس‌برداری از نقاط موردنظر به بصره بازگشته‌اند. (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۳۴۶۷۹) نمونه دیگر این که بنا به تلگراف استانداری خوزستان به وزارت کشور، تحرکات خودروهای عراقی در کیلومتر بیست و پنج پاسگاه کوشک خرمشهر مشاهده و آثار پارگی سیم‌های خاردار و رد لاستیک‌ها به عیان نمایان است که همه این‌ها توسط مرزبانی خرمشهر صورت‌جلسه شده و در تاریخ ثبت است (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۳۳۶۵۳).

عراق برای روحیه‌دادن به جریان خلق عرب و تشجیع آنان، به تحرکات نظامی در مرزهای خوزستان نیز دست زد. آن چه از این تحرکات قابل اشاره است استقرار گردان دوم توپخانه ساحلی مستقر در ام‌القصر در فاو - دقیقاً مقابل پاسگاه‌های گروهان خسروآباد ایران در جنوب

¹ Wagner

شلمچه - و دادن آماده‌باش به آنان^۱ بود (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۳۴۶۷۸؛ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۳۴۶۷۹).

از مهم‌ترین ابزارهای عراق برای تقویت جریان خلق عرب، ابزار تبلیغات و جنگ روانی بود. این ابزار تا حدی اهمیت داشت که حتی مقامات بالای حزب بعث نیز از آن مستقیماً بهره‌برداری می‌کردند. مثلاً برادرِ صدام در مجلس ختم خرابکار معروف خوزستان، «حامد زویدات»^۲ که به تازگی دادگاه انقلاب وی را اعدام کرده بود، در بصره حضور یافت و ضمن دلجویی از بستگان وی، وعده همه جور همکاری انتقام‌جویانه را داد (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۵-۱۱۲۵۳۳). دولت عراق هم در این زمینه بسیار فعال بود. برای نمونه، وزیر اطلاعات عراق کتاب‌ها و جزوه‌هایی در خصوص (به اصطلاح) آزادی خوزستان منتشر می‌کرد (کردزمن و واگنر، ۱۳۹۰، ۱/۹۸). تهیه و چاپ کتاب‌های مجعول درباره تاریخ خوزستان و همچنین چاپ نقشه‌های جغرافیایی و تجزیه خوزستان در آن‌ها از دیگر اقدامات این وزارتخانه بود (دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۱: ۸۰).

شاید مهم‌ترین ابزار تبلیغاتی عراق و برخی رژیم‌های همراه آن، ابزار رادیو بود. «رادیو صوت‌الجماهیر» عراق و رادیو عربی کویت با مانور روی خبرهای تحریک‌آمیز، ادامه کشمکش‌ها تا به ثمر نشستن خودمختاری عربستان (خوزستان) را نوید می‌دادند. رادیو کویت در گزارش‌های خود اعلام می‌نمود اعراب ایران اعلام کرده‌اند که تا تحقق خودمختاری، خلع سلاح را نخواهند پذیرفت. از طرف دیگر، رادیو بغداد هر روزه برای مردم خوزستان پیام‌های تحریک-آمیز می‌فرستاد (حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۹-۱۰۸). رادیو صوت‌الجماهیر عراق در تفسیرهای خود از وقایع خرمشهر ضمن مشروع دانستن خواسته اعراب به‌شدت به نظام ایران حمله و اتهاماتی درباره سرکوب اعراب به آن وارد می‌کرد. مفسران این رادیو با اعلام همدردی با

۱. بعدها در یادداشت‌های نمایندگی ایران در سازمان ملل به آن سازمان، این گونه تجمعات نیروهای عراقی در مرز - پیش از شروع جنگ - بارها مورد استناد قرار گرفت. برای نمونه ن.ک: (خرمی، ۱۳۸۷: ش.سند ۰۷۶).

۲. حامد زویدات از عوامل مهم انفجارهای خوزستان و از شیوخ مخالف انقلاب وابسته به عراق بود که ضمن یک درگیری مسلحانه در روستای "تجربه" دستگیر و اعدام گردید. پسر وی «صدام زویدات» به عراق گریخت و به عاملی مؤثر در انفجارهای خوزستان تبدیل شد. صدام زویدات به عنوان عضو تأثیرگذار جبهه‌التحریر در زمان جنگ ایران و عراق نیز در خدمت ارتش عراق بود و شدت عمل بسیاری در برخورد با بومیان و عشایر خوزستان و اسرای ایرانی به خرج داد. (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: پاورقی، ۱۲۹)

تجزیه‌طلبان، آنان را مورد حمایت کامل حکومت عراق دانسته، حاکمان ایران را تهدید می‌کردند (حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۸-۱۱۷). هدف از عملیات تبلیغاتی عراق به قدری روشن بود که حتی رادیو قاهره در تفسیری به نقل از خبرگزاری رویترز^۱ قصد عراق از دخالت در وقایع ایران را دست‌یافتن به منطقه نفتی خوزستان بیان نمود (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۲؛ حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۸).

به عنوان خاتمه این بخش، توجه به نتیجه‌گیری متناقض نویسندگان آمریکایی کتاب درس‌های جنگ مدرن از وقایع خوزستان خالی از فایده نیست. از نوشته‌های آنان، ابتدا چنین برمی‌آید که جنبش‌های ناسیونالیستی خوزستان، ادعای تبدیل این استان به کشوری مستقل با نام عربستان را داشتند؛ اما در پایان بحث صراحتاً بیان می‌نمایند این جنبش‌ها خواستار تجزیه خوزستان از ایران نبوده‌اند و صرفاً خواسته‌هایی محلی داشته‌اند. نکته جالب توجه بعدی اینکه نویسندگان مذکور، جریان‌های تجزیه‌طلب خوزستان را یکی از کم‌خطرترین جنبش‌های قومی ایران و بسیار ضعیف ارزیابی کرده‌اند در حالی که بر اساس پیشتر منابع^۲ موجود، حقیقت چیزی غیر این است و عراق سرمایه‌گذاری سنگینی روی جریان‌های تجزیه‌طلب برای تجزیه خوزستان نموده بود. ولی مسئله‌ای که نویسندگان نتوانسته‌اند به کتمان آن پردازند وابستگی جریان‌های قومی خوزستان به عراق و پایه‌گذاری آنها توسط سازمان‌های اطلاعاتی این کشور است که ارزیابی‌های ما را در این بخش تأیید می‌کند (کردزمن و واگنر، ۱۳۹۰: ۶۱/۱-۶۰).

۱-۲-۳- نقش شیخ شبیر خاقانی و ائتلاف وی در بحران خوزستان

از مهم‌ترین عوامل ایجاد و تداوم بحران خوزستان، نقش نمادین و رهبرگونه شیخ محمدطاهر آل‌شبیر خاقانی بود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی سعی نمود در امور سیاسی محلی نقش‌آفرینی نماید؛ اما نوع عملکرد او و حمایتش از جریان خلق عرب موجب شکل‌گیری بحران در خوزستان گردید. شیخ شبیر با محمدکاظم شریعتمداری در تبریز، ارتباط داشت و از سال ۱۳۴۹ ش امامت جماعت مسجد امام صادق (ع) خرمشهر را عهده‌دار بود. این مسجد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به مکان حضور عناصر تجزیه‌طلب، قومیت‌گرا و چپ تبدیل شد و آنان سعی

^۱ Reuters

^۲. منظور، کتاب‌ها، روزنامه‌ها و اسنادی است که در مقاله حاضر استفاده شده است.

نمودند با محور قرار دادن شیخ شبیر به اهداف خود جامه عمل بپوشانند. (شاه علی و موحدیان، ۱۳۹۷: ۴۶۶-۴۶۵)

به روایت «آیت‌الله حیدری» نماینده خوزستان در مجلس خبرگان رهبری، شیخ شبیر تحت تأثیر القائنات یکی از پسرانش که با مخالفان انقلاب مرتبط^۱ بود، قرار داشت و این فرزند با قرار دادن اطلاعات غلط در اختیار پدر خویش، پای وی را به حمایت از جریان خلق عرب باز کرد. شیخ شبیر بر اثر تأثیری که از آمدوشد با مخالفان انقلاب پذیرفته بود، مواضع تندی علیه جمهوری اسلامی می‌گرفت از جمله این که اگر اعراب در دوره شاه یک سیلی خوردند، پس از انقلاب دو سیلی خورده‌اند. (شاه‌علی و موحدیان، ۱۳۹۷: ۴۶۶-۴۶۷)

طبق گزارش‌های روزنامه‌های آن دوره، بر اساس اسنادی که بعدها از کنسول‌گری عراق در خرمشهر به دست آمد، رژیم بعث قسمتی از سیاست‌های خود را به وسیله شیخ شبیر اجرا می‌کرد. با توجه به این اسناد، بعد از تشکیل سازمان سیاسی خلق عرب، عراق توانست افکار مطلوب خود را به طور مستقیم در میان افرادی که اطراف شیخ بودند، نفوذ دهد. همچنین دولت عراق توانست نظرات شیخ را راجع به وضعیت منطقه و آینده آن درک کرده و پیگیری اهدافش را به طور مناسبی به وی القا نماید. (حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۲؛ شاه علی و موحدیان، ۱۳۹۷: ۴۸۶/۱) تبعید محترمانه شیخ شبیر به قم، سازمان سیاسی خلق عرب را از «نقش محوری» او در پیشبرد مقاصدش بی‌نصیب کرد؛ تا جایی که در یکی از اسناد به دست آمده از کنسول‌گری عراق در خرمشهر چنین آمده است: «بعد از بردن شیخ محمدطاهر [آل‌شبیر خاقانی] به خارج از خرمشهر، کار این سازمان تماماً متوقف شد؛ خصوصاً بعد از گرفتن عناصر مؤثر سازمان» (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۰۰۰۴۵۴/گ).

۱. نویسندگان کتاب «صدام حسین و بحران خلیج فارس» درباره پسر شیخ شبیر این گونه روایت می‌کنند که وی «اجیر» صدام بوده است تا هدف تجزیه خوزستان را محقق سازد. (میلر و میلروی، ۱۳۷۰: ۱۸۴)

۲. مقصود، روزنامه‌هایی مانند کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی است که در شماره‌های خود در روزهای بعد از تعطیلی کنسول‌گری عراق به این موضوع اشاره کرده‌اند.

۱-۲-۴- ایجاد دوگانگی و درگیری در خرمشهر در پی اقدامات خلق عرب

واقعهای که زمینه درگیری اصلی را میان جریان خلق عرب و نیروهای انقلابی خرمشهر ایجاد کرد، تظاهرات مسلحانه اعضای جریان خلق عرب و تیراندازی آنان به مقر «کانون فرهنگی - نظامی»^۱ جوانان مسلمان شهر، پس از حملات شیخ شبیر به کانون بود. اعضای کانون هم در مقابل، اعلامیه‌ای مشترک با گروهی از بازاریان منتشر نموده، شیخ و عملکرد وی را زیر سؤال بردند. بازاریان همچنین در برابر خواسته شیخ برای اعلام براءت از این اعلامیه مقاومت کردند. این وقایع، زنگ خطر را برای نیروهای انقلابی خرمشهر به صدا درآورد. (شاه علی و موحّدیان، ۱۳۹۷: ۴۷۳/۱)

در پی سخنان شیخ شبیر، عده‌ای با شعار «فلیسقط الکانون» (کانون فرهنگی - نظامی باید نابود شود) با تیراندازی هوایی به سوی ساختمان کانون و ستاد انتظامات رفتند و آنجا را به آتش کشیدند که بر اثر این آتش‌سوزی، ساختمان سه طبقه کانون کاملاً فرو ریخت. مهاجمین، نیروهای انقلابی کانون را هم دستگیر کرده، به ساختمان خلق عرب بردند. (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدّس، ش.سند: ۰۰۰۴۵۴/گ؛ انصاری و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۴) هجوم‌کنندگان سرمست از این پیروزی شروع به شعار دادن کردند: «نحن العرب و هنا عربستان» (ما عرب هستیم و اینجا عربستان است) و به این ترتیب ماهیت خویش را بیشتر روشن ساختند (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدّس، ش.سند: ۲۰۹۸۹۹).

مطلبی که بیش از همه توجه هر پژوهشگری را در بررسی وقایع یادشده به خود جلب می‌کند، نقش دولت عراق است. دخالت عراق در این وقایع به حدی آشکار بود که نیروهای مدافع کانون در صحبت‌های میان خود - برای تسلیم - به احتمال حضور کماندوهای عراقی همراه مهاجمین اشاره می‌کردند؛ با این دلیل که «... مرز دست آنهاست و خرابکارهای عراقی ممکن [است] ... با آنها آمده باشند و نتوانیم مقابله کنیم.» (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدّس، ش.سند: ۳۹۹۵). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد دولت عراق با حداکثر توان، منطقه را پر از

۱. پس از ماجرای انحلال کمیته‌های اول و دوم خرمشهر بر اثر اختلافات جریان‌های انقلابی شهر با شیخ شبیر خاقانی و طرفداران وی، جوانان انقلابی شهر با محوریت افرادی چون «شهید محمد جهان‌آرا» تشکیلاتی به نام کانون فرهنگی - نظامی را به وجود آوردند و به عنوان ضابط اجرایی دادگاه انقلاب اسلامی، کار تأمین امنیت خرمشهر را بر عهده گرفتند. (شاه علی و موحّدیان، ۱۳۹۷: ۴۷۱/۱-۴۷۰؛ حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۷-۹۶)

سلاح کرده بود به طوری که کمتر خانه‌ای پیدا می‌شد که در آن سلاح یافت نشود. گویا سلاح‌هایی نیز از مرز کرمانشاه به سوی خرمشهر قاچاق شده بود. روی مرزهای خوزستان و خرمشهر هم کنترل چندانی نبود. بنا به گزارش‌های موجود، ماشین بلیزر شیخ شبیر هر چند وقت یک بار به عراق رفته، سلاح می‌آورد و سرنشینان آن با این توجیه که خودرو متعلق به شیخ است، به مأمورین ژاندارمری اجازه بازرسی نمی‌دادند. عبور سلاح از راه آبی حتی آسان‌تر از راه زمینی بود و به سهولت انجام می‌گرفت. عراق همچنین با فرستادن عناصر بعثی و چپ به شهرهای مختلف خوزستان، منطقه را ناامن می‌کرد. مدارس دولت عراق در خرمشهر و آبادان نیز پایگاهی برای تبلیغات و فعالیت تجزیه‌طلبان و افراد چپ‌گرا به شمار می‌رفت (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۹۰۲۸۹).

کنسول^۱ عراق در خرمشهر را می‌توان صحنه‌گردان اصلی وقایع این شهر و خوزستان دانست؛ چرا که بنا به گزارش بیشتر روزنامه‌های آن دوره، وی با برخی عناصر مشکوک ارتباط داشت و با اجاره خانه‌های متعدد در نقاط مختلف شهر از این اماکن برای خرابکاری توسط نزدیکانش استفاده می‌کرد. همچنین او کارمندان کنسول‌گری را در مدت کوتاهی از چهار به چهارده نفر رساند که اغلب آن‌ها هم افسر بودند. «ولید السامرای» رئیس مدرسه عراقی‌ها در خرمشهر و از یاران کنسول نیز پیش از انقلاب مسئول امور جبهه التحریر در عراق و از عناصر اطلاعاتی محسوب می‌شد. (شاه‌علی و موحدیان، ۱۳۹۷: ۴۷۷/۱-۴۷۶) بر اثر فعالیت‌های همین عناصر بود که اسلحه و پول فراوان به خرمشهر وارد گردید؛ به طوری که تنها در یک شب مبلغ چهارده میلیون تومان اسلحه مورد معامله قرار گرفت (اطلاعات، ۵۸/۲/۲۵: ۳).

پس از آشفستگی ایجادشده در خرمشهر، شورای تأمین تشکیل جلسه داد و با حضور فرماندار تصمیماتی گرفته شد؛ این تصمیمات در قالب سه اطلاعیه رسمی فرمانداری به اطلاع عموم رسید. مفاد اطلاعیه شماره یک این بود که همه شوراهای، کمیته‌ها، سازمان‌ها، انجمن‌ها، جبهه‌ها، کانون‌ها، گروه‌ها و افرادی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ساختمان‌های دولتی یا وابسته به دولت در خرمشهر را با ابزار و وسایل آن‌ها متصرف شده‌اند باید حداکثر تا پایان وقت اداری دوشنبه

۱. به‌رغم جست‌وجوی بسیار در منابع مختلف، نام شخص مورد نظر یافت نشد.

۲. روزنامه‌های آن دوره از جمله روزنامه‌هایی که در مقاله حاضر استفاده شده‌اند به دفعات زیاد به دخالت‌های کنسول عراق در خرمشهر برای بحران آفرینی در خوزستان پرداخته‌اند.

۵۸/۲/۳۱ آن‌ها را تحویل دهند. (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۱-۰۹۰۳۰۱) مفاد اطلاعیه شماره دو نیز بدین‌قرار بود که کلیه فعالیت‌های انتظامی از طرف هر گروه و سازمانی ممنوع و این امور باید تنها از جانب دولت صورت گیرد. (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۲-۰۹۰۳۰۱) اما اطلاعیه شماره سه بیان می‌داشت که حمل و نگهداری هر نوع سلاح غیرمجاز از تاریخ ۵۸/۳/۴ ممنوع است و سلاح‌ها باید تحویل پادگان دژ خرمشهر شوند (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش. سند: ۳-۰۹۰۳۰۱).

سازمان سیاسی خلق عرب در واکنش اعلام کرد تخلیه ساختمان‌ها مسئله‌ای انحرافی است و آن را رد نمود. سازمان همچنین تصریح کرد تا خلع سلاح عمومی در سراسر ایران، خلع سلاح را نخواهد پذیرفت. سپس هواداران جریان خلق عرب برای مقابله آشکار با تصمیمات دولت، دست به تحصن زدند (کیهان، ۵۸/۲/۲۹: ۷). هنگامی که مردم انقلابی خرمشهر، بی‌اعتنایی جریان خلق عرب به اطلاعیه‌های فرمانداری را دیدند، با دعوت کانون فرهنگی - نظامی و ستاد پاسداران، در مسجد جامع شهر تحصن و بسیاری از آنان اعتصاب غذا کردند. علاوه بر این، تظاهرات گسترده‌ای با حضور روحانیان شهر علیه تجزیه‌طلبان و حمایت از جمهوری اسلامی برگزار گردید (حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۴). این صف‌آرایی، مقدمه وقایع معروف به چهارشنبه ۹ خرداد ۱۳۵۸ بود که در بخش‌های آتی به آن خواهیم پرداخت.

۱-۲-۵- مذاکرات بی‌نتیجه هیئت امام خمینی و دولت موقت با خلق عرب برای حل بحران

یکی از مسائل مهم در بررسی بحران خوزستان، نوع تعامل حاکمیت با آن است. در این مقطع تاریخی، حاکمیت از دو طیف نیروهای خط امام و لیبرال‌های دولت مهندس بازرگان تشکیل شده بود. هر دو گروه تمام تلاش خویش را به کار گرفتند تا از راه‌های سیاسی و مسالمت‌آمیز به بحران پایان دهند اما در این مسیر، جز ناکامی چیزی حاصل نکردند. نگرانی از اوضاع ملتهب خوزستان موجب شد تا در همان ماه نخست بحران، آیت‌الله خامنه‌ای به همراه «سرهنک محمد حسینی حقیقی» فرمانده لشکر خوزستان و «سروان حسین انصاری» به خرمشهر سفر نموده، با شیخ شبیر خاقانی دیدار کنند؛ ولی از این دیدار جز مواضع دوپهلوی شیخ چیزی به دست نیامد. (اطلاعات، ۵۷/۱۲/۲۰: ۷)

این رایزنی‌ها سبب ایجاد آرامش در خوزستان نشد و طرفداران جریان خلق عرب در اواخر اسفند ۱۳۵۷ با برگزاری تظاهراتی در اهواز، خواسته‌های تجزیه‌طلبانه خود را تکرار نمودند. (کیهان، ۵۷/۱۲/۲۸: ۳) به دنبال این وقایع، مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت به خرمشهر سفر و شخصاً با شیخ شبیر مذاکره کرد. ولی در جریان این ملاقات، افراد مسلح خلق عرب با تیراندازی، وضعیت را به تشنج کشیده حتی مانع سخنرانی بازرگان در مسجد شیخ شبیر گردیدند. در نهایت، بازرگان در استادیوم ورزشی آبادان به سخنرانی پرداخت و وعده حفظ حقوق همه گروه‌ها در قانون اساسی را داد. شیخ هم در مقابل، مواضع دو پهلوی خود را تکرار کرد و خواستار حفظ حقوق اقلیت‌ها شد. در پایان این سفر، حامیان خلق عرب با برگزاری تظاهراتی در اهواز مطالبات تجزیه‌طلبانه خود را تکرار کردند. (اطلاعات، ۵۸/۱/۶: ۵) حواشی سفر مهندس بازرگان به خوزستان موجب شد تا دولت موقت ضمن ارسال نامه‌ای برای شیخ شبیر از او بخواهد تا هیئت برگزیده‌ای از اعراب خوزستان را برای طرح مطالبات خود و درج آن‌ها در قانون اساسی جدید به تهران اعزام نماید (اطلاعات، ۵۸/۱/۲۱: ۳).

شیخ شبیر برای داشتن دست برتر در مذاکرات آینده و درحالی‌که چشم خود را بر حقایق صحنه خوزستان بسته بود ضمن اعتراض به دولت موقت به سبب تعلل در اعطای حقوق شرعی و قانونی خلق عرب تهدید نمود کشور را ترک می‌کند. او به طور غیرمستقیم، پاسداران و نیروهای انقلابی را جوانان افراطی و از خدا بی‌خبر خواند که با اقدامات نادرست خویش موجب نارضایتی مردم می‌شوند. همچنین شیخ مدعی گردید دخالت کمیته‌ها، دولتی در دولت ایران تشکیل داده و اگر ظرف یک هفته همه امور اصلاح نشود، کشور را برای همیشه ترک می‌کند (اطلاعات، ۵۸/۲/۳: ۳).

در همین احوال سید احمد خمینی طی تماس تلفنی با شیخ شبیر از وی خواست برای این‌که از پیش‌آمدن رخدادهای ناخوشایند در خوزستان جلوگیری شود، ایران را ترک ننماید. آیت‌الله طالقانی نیز به درخواست امام خمینی پیام مشابه‌ای برای شیخ فرستاد. شیخ شبیر در ملاقات هیئت اعزامی امام در خرمشهر، پیشنهاد سفر به قم برای استراحت را رد کرد و تلویحاً دوباره نیروهای انقلابی را به ایجاد تفرقه بین خلق‌های خوزستان و آشوب‌آفرینی متهم نموده تهدید کرد با همه قوا از این امر جلوگیری می‌کند (کیهان، ۵۸/۲/۶: ۷). روز بعد، هواداران خلق عرب در جلوی مسجد شیخ شبیر تجمع کردند. شیخ هم با حضور در بین حامیانش گفت: با توجه به حضور

نماینده امام خمینی و پیام آیت‌الله طالقانی ترک کشور را به تأخیر انداخته، امیدوار است اقدامات خلاف شرع متوقف شود (اطلاعات، ۵۸/۲/۸: ۸).

در همین ایام گروه سی‌نفره جریان خلق عرب به نمایندگی از مردم خوزستان برای مذاکره به تهران رفتند (شاه‌علی و موحدیان، ۱۳۹۷: ۴۷۵/۱؛ حلمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰۳). بنا به تصریح اسناد، کسانی که به نمایندگی از اعراب به تهران رفته بودند، نمایندگان حقیقی آنان محسوب نمی‌شدند (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش. سند: ۹۰۲۸۸). سرپرست این گروه که از طرف شیخ شبیر اعزام گردیده بودند، فردی به نام «علی فخری» بود و بر اساس یکی از اسناد معتبر، گروه از تعدادی ساواکی، چند کمونیست و چند نفر با سابقه دزدی ترکیب می‌یافت. گویا اشخاص صالح گروه، تنها به تعداد انگشتان یک دست بودند. (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش. سند: ۹۰۲۸۴) گروه اعزامی پیش از مذاکره در مصاحبه‌ای از «چریک‌های فدایی خلق» اعلام حمایت کرد و یکی از مطالبات مهم خود را تبدیل نام خوزستان به عربستان بیان نمود (حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۳).

هیئت خلق عرب ضمن اذعان به برقراری ارتباط با سایر خلق‌های کرد، بلوچ و... در نامه‌ای به مهندس بازرگان، خواسته‌های خود را اعلام کرد. برخی از این خواسته‌ها بدین‌قرار بود: «اعتراف دولت به وجود ملیت خلق عرب و درج آن در قانون اساسی، تشکیل دادگاه‌های عربی و مجلس خودمختار عرب، پذیرش زبان عربی به عنوان زبان رسمی در منطقه، تخصیص درآمد نفت به عمران منطقه و خودداری از مذاکره با عناصر مرتجع و فرصت‌طلب [طرفداران جمهوری اسلامی]» (شاه‌علی و موحدیان، ۱۳۹۷: ۴۷۵/۱). همان‌طور که مشاهده می‌شود پذیرش این خواسته‌های گوناگون، زمینه را برای تجزیه خوزستان فراهم می‌کرد و در عمل به معنای تسلیم کامل دولت موقت در مقابل تجزیه‌طلبان بود. بنابراین این دور مذاکرات هم بدون نتیجه محسوسی پایان یافت.

۱-۲-۶- وقایع مربوط به چهارشنبه ۹ خردادماه ۱۳۵۸ و حوادث بعد از آن

وقایعی که در روز ۹ خرداد ۱۳۵۸ در خرمشهر روی داد و منجر به سرکوبی موقت جریان خلق عرب گردید، از سوی این جریان «چهارشنبه سیاه» نام گرفت. این وقایع هم زمینه‌ها و هم پیامدهایی داشت که در این بخش به آن‌ها می‌پردازیم. به دنبال شکست مذاکرات نمایندگان

دولت در خرمشهر با تحصن کنندگان خلق عرب برای اجرای مفاد اطلاعیه‌های فرمانداری شهر برای خلع سلاح و تخلیه اماکن دولتی و در راستای تحقق مطالبات متحصنین انقلابی مسجد جامع، به دستور «دریادار مدنی»^۱ استاندار خوزستان حدود صد نفر از تکاوران نیروی دریایی بوشهر، صد نفر از پاسداران سپاه تهران، حدود صد پاسدار از دزفول و بسیاری هم از سایر شهرهای خوزستان وارد خرمشهر شده، در گمرک مستقر گردیدند (آیندگان، ۵۸/۳/۲؛ ۳؛ انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۷).

در این شرایط، استاندار خوزستان وارد خرمشهر گردید و مجدداً با سران جریان خلق عرب مذاکره کرد. بر اساس نتیجه مذاکرات، قرار بر این شد که خلع سلاح عمومی تا ۱۰ خرداد ۱۳۵۸ تمدید گردد و امور به طور مسالمت‌آمیز حل و فصل شود. راهپیمایی بزرگی نیز از طرف «جامعه روحانیت مبارز» و با حضور مجتهدین انقلابی خوزستان در اهواز و خرمشهر برگزار و بر حمایت از جمهوری اسلامی و ضرورت برخورد با فعالیت‌های ضدانقلاب تأکید شد (اطلاعات، ۵۸/۳/۹: ۳).

در چنین وضعی بود که «روزنامه کریستین ساینس مانیتور»^۲ درباره امکان اعتصاب گسترده و نبرد مسلحانه در خوزستان و قطع جریان نفت به آمریکا نوشت. این روزنامه با حساسیت زیادی اوضاع خوزستان را بحرانی‌تر از آنچه حقیقتاً بود انعکاس داده، به بزرگنمایی پرداخت. مسئله‌ای که سبب شد «دکتر یزدی» وزیر خارجه دولت موقت در نامه‌ای به وزیر کشور وقت، دیدگاه روزنامه مذکور را منتقل کرده، نسبت به حساسیت شرایط هشدار دهد (مرکز اسناد و

۱. تیمسار احمد مدنی هم‌زمان با فرماندهی نیروی دریایی ارتش، استاندار خوزستان نیز بود و از اعضای با سابقه «جبهه ملی» محسوب می‌شد. (حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵) مدنی، پیش از انقلاب جزء سران ملی‌گرای ارتش بود و با حکومت پهلوی تعارض داشت. او بعد از انقلاب هم با دولت مهندس بازرگان و جبهه ملی مرتبط و دارای گرایش‌های شدید ملی‌گرایانه بود. وی با توجه به روحیات نظامی خویش، در برخورد با بحران خوزستان شدت عمل به کار برد و جریان خلق عرب را سرکوب کرد؛ ولی نیروهای انقلابی مذهبی استان، به دلیل گرایش‌های سکولار و لائیک مدنی با او به معارضة برخاسته، سرانجام موجب برکناری وی از استانداری خوزستان شدند. (شاه‌علی و موحدیان، ۱/ ۴۶۷) منابع موجود به صورت تفصیلی و منسجم به نقش تیمسار مدنی در بحران خوزستان نپرداخته‌اند، با این وجود سعی کردیم در خلال سطور مقاله حاضر تا حدودی به نقش او بپردازیم.

² Christian Science Monitor

تحقیقات دفاع مقدّس، ش.سند: ۸-۱۳۴۳۵۴). آنچه از مقاله این روزنامه و تمرکز آن بر مسائل خوزستان به ذهن متبادر می‌شود بحرانی بودن اوضاع از دید ناظران غربی است.

مقارن سپیده‌دم چهارشنبه ۹ خرداد ۱۳۵۸ یک خودروی پیکان سواری با چند سرنشین در خرمشهر به حرکت درآمد و با شلیک‌های مداوم، آرامش شهر را برهم زد. این خودرو به طرف محل تحصّن مخالفان جریان خلق عرب در مسجد جامع رفت و بعد از شلیک تیر و پرتاب کوکتل مولوتف متواری گشت. در حالی که مردم متحصّن در مسجد جامع وحشت‌زده از خواب بیدار شده بودند؛ عناصر جریان خلق عرب گروه گروه برای درگیری وارد شهر گردیدند (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدّس، ش.سند: ۰۰۰۰۴۵۴/گ؛ اطلاعات، ۵۸/۳/۹: ۳). مهاجمین سپس نقاط مختلف شهر و مراکز دولتی را به آتش کشیده، به غارت خانه‌ها و مغازه‌ها پرداختند (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدّس، ش.سند: ۷-۱۱۴۶۳۲؛ اطلاعات، ۵۸/۳/۱۰: ۲). اوضاع خرمشهر به حدّی وخیم گشت که استاندار خوزستان در تلفنگرامی به وزارت کشور خواستار اعزام نیروی هوایی پایگاه دزفول به فرودگاه آبادان برای نمایش قدرت شد. (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدّس، ش.سند: ۸-۱۱۴۶۳۳).

نیروهای سپاه و مردم انقلابی خرمشهر در پاسخ به حمله همه‌جانبه خلق عرب پس از چند ساعت درگیری توانستند ساختمان‌های سازمان سیاسی و نیز کانون فرهنگی خلق عرب را تصرف کنند. کلاتری‌های سقوط کرده هم مجدداً آزاد شدند. همچنین با اعزام نیروی کمکی به خرمشهر و تقویت نیروهای مسلح اهواز و آبادان از سرایت بی‌ثباتی به نواحی دیگر خوزستان جلوگیری گردید (اطلاعات، ۵۸/۳/۱۰: ۲).

در ادامه وقایع ۹ خرداد ۱۳۵۸ شیخ شبیر خاقانی با ترتیب دادن یک مصاحبه مطبوعاتی تهدید نمود که اگر دولت تفاهم نکند، عواقب وخیمی در پیش است. وی افزود خواهان تغییر تیمسار مدنی است چرا که حضور وی در خرمشهر اوضاع منطقه را آشفته‌تر می‌سازد. (اطلاعات، ۵۸/۳/۱۰: ۲) عراق نیز در همین وضعیّت برای تقویت روحیه خلق عرب، تحرکات مرزی خود علیه ایران را افزایش داد. پرواز بالگرد بر فراز منطقه خسروآباد شهر آبادان، تقویت نیرو در مقابل پاسگاه‌های مرزی خرمشهر و گشت غیرعادی یک ناوچه عراقی برخی از این تحرکات بود (اطلاعات، ۵۸/۳/۱۲: ۲). استاندار خوزستان هم با صراحت از دخالت خارجی‌ان در وقایع این استان گفت (اطلاعات، ۵۸/۳/۱۲: ۱). مقاومت شجاعانه نیروهای انقلابی سبب پایان درگیری‌ها

در خرمشهر و کشیدن آن به پاسگاه‌های مرزی شد. نیروهای خلق عرب سعی نمودند افراد ژاندارمری و سپاه را در مناطق مرزی خلع سلاح کنند که باز هم شکست خوردند. دریادار مدنی نیز مجدداً کویت و عراق را مورد حمله لفظی قرار داده، از قاچاق رایگان اسلحه از عراق گفت و بیان کرد کویت بر ضد جمهوری اسلامی دعوت به طغیان می‌کند (اطلاعات، ۵۸/۳/۱۳: ۱).

با پایان درگیری‌ها، در ۱۲ خرداد نیروهای خلق عرب که همچنان از پشتیبانی شیخ شبیر برخوردار بودند در مسجد وی دست به تحصن زدند. آنان قطعنامه‌ای دوازده ماده‌ای صادر کرده، خواستار این موارد شدند: برکناری مدنی استاندار خوزستان، شناسایی عوامل هجوم به خانه شیخ شبیر و معرفی عاملان کشتار و درگیری‌ها. همچنین آنها تقاضای جمع‌آوری اسلحه‌هایی که به ادعایشان در مسجد جامع خرمشهر بین هواداران انقلاب توزیع گردیده بود، داشتند. قطعنامه در پایان، دولت موقت را تهدید نمود که در صورت عدم رسیدگی به موضوع، مسئولیت وقایع ناگوار احتمالی برعهده آن است (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۵؛ اطلاعات، ۵۸/۳/۱۲: ۲). شیخ شبیر هم با تأیید بیشتر بندهای قطعنامه و تأکید بر عزل استاندار، برای اجرایی شدن این مطالبه پنج روز به دولت موقت فرصت داد. او ضمن گرفتن مواضع دو پهلوی همیشگی، با ادعای طرفداری از جمهوری اسلامی وضعیّت را متشنج توصیف کرده، درگیری دوباره را محتمل دانست (آیندگان، ۵۸/۳/۱۳: ۲).

سرانجام استاندار خوزستان و شیخ شبیر در ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ با یکدیگر ملاقات و موافقت‌نامه‌ای هشت ماده‌ای را به امضا رساندند که مهم‌ترین بندهای آن بدین قرار بود: شناسایی و محاکمه عوامل درگیری‌ها، برقراری امنیّت در شهرها و روستاها زیر نظر شهربانی و ژاندارمری، انحلال همه کمیته‌ها، کانون‌ها و شوراها، رسیدگی به خانواده‌های شهدا و مجروحین وقایع روزهای پیش، تعقیب عوامل حمله به خانه شیخ شبیر، آزادی دستگیرشدگان و رسیدگی به وضعیّت آنها و انجام اقدامات عمرانی در خوزستان. (جمهوری اسلامی، ۵۸/۳/۱۷: ۲ و ۱) از آنجایی که عقب‌نشینی شیخ شبیر در این توافق‌نامه آشکار بود، تحصن‌کنندگان جریان خلق عرب با اعلام مخالفت خویش با توافق نشان دادند که شیخ، تنها وسیله رسیدن آنان به اهدافشان است و مقاصد خطرناک دیگری در سر دارند. آنها به دولت موقت تا ۱۸ خرداد مهلت دادند تا بازداشت‌شدگان خلقی را آزاد و پاسداران انقلابی را از خرمشهر اخراج نماید. در نهایت با حضور نماینده محمدکاظم شریعتمداری در میان متحصنان و سخنرانی وی برای دعوت به آرامش، موضوع موقتاً

خاتمه یافت و تحصّن به پایان رسید. (کیهان، ۵۸/۳/۱۹: ۳) به نظر می‌رسد به دلیل فقدان پایگاه توده‌ای خلق عرب و به پایان رسیدن ظرفیت بهره‌برداری از این تحصّن، جریان خلق عرب با تظاهر در موضع قدرت بودن تحصّن را خاتمه داد و به انتظار حوادث آینده نشست.

۱-۲-۷- تلاش خلق عرب برای تسلط بر خرمشهر

هنگامی که تصوّر می‌شد وضعیت خوزستان رو به آرامش می‌رود، انفجار ریل راه‌آهن در نزدیکی خرمشهر در ۲۰ خرداد و وقوع تیراندازی بین پاسگاه‌های مرزی ایران و عراق در کنار تجاوز^۱ جنگنده‌های عراقی به حریم هوایی ایران و بمباران سردشت از طرف آن‌ها نشان داد که رژیم بعثی به دنبال ادامه تنش‌ها در خوزستان است (اطلاعات، ۵۸/۳/۲۰: ۱). هم‌زمان جنگ تبلیغاتی عراق علیه ایران هم به شدت ادامه داشت. «روزنامه الثورة عراق» درباره وقایع خرمشهر مدّعی سرکوب و کشتار بی‌رحمانه اعراب بی‌گناه شد و ادامه داد عراق با ملّت عربستان (خوزستان) هم‌دردی می‌نماید. در پایان هم مقامات ایرانی را تهدید نمود که بابت ماجراجویی‌های خود بهای سنگینی خواهند پرداخت (اطلاعات، ۵۸/۳/۲۶: ۱۲).

در روزهای پایانی خرداد، هنگامی که بعضی دستگیرشدگان درگیری‌های مسلحانه خرمشهر به خواسته شیخ شبیر از سوی تیمسار مدنی آزاد گردیدند؛ دولت موقت انتظار مصالحه و بهتر شدن اوضاع را داشت (کیهان، ۵۸/۳/۲۶: ۴). اما چنین نشد و بمب‌گذاری و تیراندازی‌های پراکنده به ساختمان‌های دولتی، وقوع انفجار در بندر خرمشهر و پخش اخباری درباره تداوم توزیع اسلحه توسط عراق بر وخامت اوضاع افزود (کیهان، ۵۸/۳/۲۷: ۷). برای مقابله با این وضعیت، دادستانی انقلاب اسلامی خرمشهر و آبادان طی اعلامیه‌ای اعلام نمود از روز جمعه ۲۵ خرداد از ساعت ۲۱ تا ۶ صبح، آمدوشد در جاده‌های مرزی این دو شهر ممنوع است و متخلّفان دستگیر می‌شوند (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۰؛ حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷). جوانان کانون فرهنگی - نظامی خرمشهر هم در اهواز نمایشگاهی از سلاح‌های ساخت عراق و مدارک دخالت

۱. بر اساس قرارداد تعریف تجاوز مصوب ۳ ژوئیه ۱۹۳۳ (لندن) در هر مناقشه بین‌المللی بین طرفین مناقشه، دولتی که خاک مملکت دیگر را به وسیله قوای مسلح مورد تهاجم قرار دهد؛ حتی اگر اعلان جنگ نکرده باشد متجاوز شناخته می‌شود. برای اطلاع بیشتر از تعریف تجاوز و مصادیق آن ن.ک: (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۵۴۸). ایران سعی می‌کرد با ارسال یادداشت‌های اعتراض‌آمیز به عراق، روند تجاوزات مرزی را متوقف و نظر سازمان ملل را نیز به موضوع جلب کند که موفق نشد. (الکواری، ۱۳۸۷: ۲۸۰)

این کشور در وقایع خوزستان برپا کردند. این‌ها همه در زمانی رخ می‌داد که بی‌پروایی عراق تا بدان حد رسیده بود که در برنامه‌های تلویزیونی خود از عملیات‌های خرابکارانه جریان خلق عرب در خرمشهر تجلیل می‌کردند و ادعای فشار و تبعیض نسبت به اعراب خوزستان مطرح می‌گردید (اطلاعات، ۵۸/۳/۲۸: ۲).

ادامه بحران خوزستان و همکاری معارضان انقلاب در داخل و خارج با عراق، برای بحران-آفرینی در این منطقه سبب برخی واکنش‌های تند در نیروهای انقلابی کشور شد. مصاحبه آیت-... خلخالی با روزنامه اطلاعات در ۳۰ خرداد ۱۳۵۸ یکی از این واکنش‌ها بود. او در این مصاحبه گفت: «مجازات خائن و تجزیه‌طلبان مرگ است و اگر شیخ شبیر نیز به بازی‌های تجزیه‌طلبانه ادامه دهد و خائن شناخته شود، مصداق همین حرف خواهد بود» (اطلاعات، ۵۸/۳/۳۱: ۳؛ انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۴). شورای تأمین خرمشهر این سخنان را رد و مسئولیت آن را برعهده گوینده گذاشت. شورا همچنین بر اجرای توافق‌نامه تیمسار مدنی و شیخ شبیر و جایگاه وی تأکید کرد. شیخ شبیر هم مصاحبه خلخالی را بی‌اهمیت تلقی نمود و اولویت خویش را حفظ آرامش شهر دانست (اطلاعات، ۵۸/۴/۲: ۳). اما همه این موضع‌گیری‌ها در ظاهر امر بود و خلق عرب، بهترین فرصت را برای مظلوم‌نمایی به دست آورد. بر این اساس، آنان در ۳۱ خرداد تظاهراتی را به بهانه اعتراض به سخنان خلخالی و حمایت از شیخ ترتیب دادند. در پایان این تظاهرات قطعنامه‌ای از سوی تظاهرکنندگان صادر گردید که خلاصه موارد آن به این شرح بود: پشتیبانی کامل از شیخ شبیر و آمادگی جان‌فشانی در راه او، محکومیت شدید خلخالی و درخواست عزل و مجازات وی، ادعای نقض توافق‌نامه مدنی و شیخ شبیر از سوی حکومت، مطالبه آزادی بی‌قید و شرط زندانیان خلق عرب، شکنجه نکردن آن‌ها و بازگرداندن ایشان از تبعید و در نهایت، درخواست محاکمه و مجازات پاسداران غیرمحلّی، روحانیان و بازاریان طرفدار جمهوری اسلامی که به ادعای خلق عرب موجب کشتار وحشیانه اعراب شده‌اند (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۲۰۹۹۱۰؛ انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۵).

از این هنگام برای از میدان به در نمودن طرفداران انقلاب در خرمشهر و کل خوزستان و به‌دست‌گرفتن کامل کنترل اوضاع، وحشت‌آفرینی در دستور کار خلق عرب قرار گرفت. در بعد از ظهر ۳۱ خرداد هواداران خلق عرب با سلاح‌های آتش‌زا به اماکن دولتی و منازل مردم حمله کرده، خرمشهر را در آشوب فرو بردند (کیهان، ۵۸/۴/۲: ۲). بررسی آرشیو روزنامه‌ها و اسناد

موجود نشان می‌دهد در تیرماه ۱۳۵۸ اقدامات مسلحانه و خرابکارانه بسیاری صورت پذیرفته است. در تاریخ ۹ تیر گروهی تحت عنوان «فداییان سازمان سیاسی عرب عربستان» با انتشار اختطاریه‌ای تهدید به انجام عملیات مسلحانه علیه نیروها و تأسیسات دولتی کردند. آنان جمهوری اسلامی را با بدترین الفاظ مخاطب قرار داده، آن را به نژادپرستی متهم نمودند. این گروه در پایان اختطاریه خود افزود در عملیات انتقامی حتی به زنان، مردان، کودکان و بزرگسالان هم رحم نخواهد کرد (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۵-۱۱۴۶۳۶). کمی بعد هم گروهی به نام چهارشنبه سیاه طی تماس با دفتر خبرگزاری پارس اعلام موجودیت نمود و به صراحت مسئولیت بخشی از انفجارها و حملات مسلحانه خوزستان را بر عهده گرفت (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۸-۸۷؛ حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

در چنین شرایطی ستاد مرکزی سپاه پاسداران برای کنترل اوضاع در نامه‌ای به فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز خواستار تأمین نیازمندی‌های واحدهای سپاه خوزستان برای مقابله با فعالیت‌های معارضان انقلاب شد. (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۱۱۳۶۳۹). در این روزها حملات به پاسگاه‌های مرزی ژاندارمری و نیروهای سپاه به کرات روی داد. برای نمونه در ۱۶ تیر به پاسگاه مرزی ژاندارمری در سعیدیه سوسنگرد با آر.پی.جی ۷ حمله کردند ساختمان آن منهدم گردید. پرسنل پاسگاه نیز مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۰۰۰۱۵). نمونه دیگر حمله گروه‌های معارض عرب به پاسداران جزیره مینو بود. بنا به اسناد، این جزیره یکی از کانون‌های خلق عرب و از مبادی ورود اسلحه به ایران از عراق بود. (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۰۰۰۰۱۷). دستگیری جاسوسان عراق در نواحی مختلف خوزستان، سیل قاچاق سلاح از عراق به ایران، آموزش خرابکاران عراقی در بصره و تمرکز نیروهای عراق در مرز ایران از اخبار رایج تیرماه ۱۳۵۸ در خوزستان بود (اطلاعات، ۵۸/۴/۱۸: ۳).

در دهه پایانی تیرماه در راستای افزایش بحران خوزستان، سازمان چریکی جدیدی با نام «صاعقه» اعلام موجودیت کرد. این سازمان در اعلامیه خود به شدت به نیروهای انقلابی و دولت تاخت و به قدرت‌نمایی پرداخت (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۲۰۹۹۳۵). در این روزهای اوج بحران خوزستان و قدرت‌نمایی جریان‌های قومی، تظاهراتی در آبادان به حمایت از جریان‌ها یاد شده صورت گرفت که منجر به درگیری با نیروهای انقلابی گردید. پس

از این واقعه شیخ شبیر اعلامیه‌ای منتشر نمود و در آن دولت را به شدت زیر سؤال برد. همچنین به پاسداران و نیروهای انقلابی تاخته و آن‌ها را دولتی در دولت نامید. شیخ تلویحاً به وقوع جنگ داخلی تهدید کرده، ایران را در مسیر لبنانی دیگر شدن دانست. شیخ در پایان با تظاهر از هوادارانش خواست از توسل به خشونت دست بردارند تا دولت بتواند در آرامش، پاسداران و دادگاه‌ها را تصفیه کند (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.سند: ۲۰۹۴۴۲). سلسله وقایعی که به اختصار به آن‌ها اشاره شد، سبب ایجاد فضایی آکنده از رعب میان مردم انقلابی و ناامیدی آنان از اصلاح امور در خرمشهر و خوزستان گردید. بر این پایه، این گمان در افکار عمومی شکل گرفت که خرمشهر به زودی تحویل جریان خلق عرب داده خواهد شد. این فضا موجب مهاجرت بسیاری از خانواده‌ها از شهر شد و سایرین نیز در حال گرفتن همین تصمیم بودند (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۵؛ حلمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

۱-۲-۸- پایان بحران و تبعید شیخ شبیر خاقانی

در وضعیت ناامیدکننده خوزستان و خرمشهر واقعه‌ای رخ داد که سبب تغییر شرایط به نفع نیروهای انقلابی گردید. در شب ۲۱ تیرماه ۱۳۵۸ گروهی از پاسداران در منطقه کوت‌شیخ خرمشهر گشت می‌زدند که مورد حمله قرار گرفتند. در این حمله «انوشیروان رضایی» مسئول پاسداران اعزامی از خرم‌آباد با شلیک هفت گلوله به شهادت رسید (انقلاب اسلامی، ۵۸/۴/۲۳: ۱۱). این جنایت، مردم خرمشهر را که شاهد چند ماه فتنه‌گری جریان خلق عرب در شهر خود بودند، به ستوه آورد. آنها روز ۲۴ تیر به مناسبت سوم شهید رضایی تظاهرات گسترده‌ای به راه انداختند و بعد از پایان تظاهرات، برای شنیدن سخنرانی به مسجد جامع رفتند. در هنگام سخنرانی، نارنجکی به درون حیاط مسجد پرتاب شد که هفت شهید و شصت مجروح بر جای گذاشت. انفجار، جمعیت فشرده در مسجد را وحشت‌زده و خشمگین بیرون ریخت و اوضاع را به کلی دگرگون نمود. در این شرایط، تیراندازی افراد مسلح به مردم از پیرامون خانه شیخ شبیر، کار را تمام کرد (جمهوری اسلامی، ۵۸/۴/۲۵: ۲). مردم منزل شیخ را محاصره کردند. با رسیدن پاسداران، مقاومت محافظین خانه طولی نکشید و به زودی تصرف گردید. تعدادی از عوامل وقایع خرمشهر نیز در همان‌جا دستگیر شدند (جمهوری اسلامی، ۵۸/۴/۲۵: ۳). پاسداران سپس به بازرسی منزل شیخ پرداخته، چندین قبضه سلاح و نارنجک، چند دستگاه بی‌سیم، مقادیر زیادی

پول ایرانی و دینار عراقی همراه با اسناد و مدارک مختلف دیگر را کشف نمودند. طی روزهای بعد هم با بازرسی خانه به خانه، سلاح‌ها و مواد منفجره بیشتری در سطح شهر پیدا شد و بیست نفر از جمله دو عراقی بازداشت گردیدند (جمهوری اسلامی، ۵۸/۴/۲۵: ۱۶). با انجام تحقیقات گسترده، پنج نفر از عوامل دخیل در جنایت مسجد جامع خرمشهر و سایر وقایع این شهر اعدام شدند که یکی از آنها راننده شیخ شبیر بود. (جمهوری اسلامی، ۵۸/۴/۲۵: ۳).

روز بعد از واقعه مسجد جامع، شیخ شبیر به اهواز و سپس با عفو وی از سوی امام خمینی همراه با خانواده‌اش به قم انتقال یافت (جمهوری اسلامی، ۵۸/۴/۲۶: ۲). شیخ شبیر در ۳۰ تیر ۱۳۵۸ بیانیه‌ای صادر و طی آن اعلام کرد به دلیل خستگی، قصد اقامت دائم در قم را دارد. شیخ همچنین نژادپرستی و تجزیه‌طلبی را محکوم کرده، از جریان خلق عرب که خود را به او منصوب می‌کردند، بیزاری جست. او در پایان بیانیه با اعلام پیروی کامل از امام خمینی تصریح نمود که هیچ فرد یا گروهی حق تعرض به جمهوری اسلامی و مردم را ندارد (جمهوری اسلامی، ۵۸/۴/۳۱: ۲؛ انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۰). بدین‌صورت بحرانی که با محوریت شیخ و همراهی عناصر تجزیه‌طلب، چند ماه خوزستان را به آشوب کشیده بود، پایان یافت. بنابراین فضای بحرانی خرمشهر و خوزستان کاملاً شکسته شد و خانواده‌های مهاجر دوباره به شهر بازگشتند.

لازم به ذکر است بعد از آن‌که دولت عراق، ظرفیت آبادی داخلی برای بحران‌آفرینی در خوزستان را از دست داد، به صورت مستقیم به بمب‌گذاری^۱ در مکان‌های عمومی استان پرداخت. این امر از ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ با روی کارآمدن صدام و برکناری احمد حسن البکر^۲ -مقارن پایان بحران خلق عرب - و مخصوصاً از مردادماه تا پاییز ۱۳۵۸ ش (یعنی زمان تعطیلی کنسول‌گری عراق، مدرسه عراقی‌ها و دفتر مشترک اداره اروندرود در خرمشهر) ادامه یافت. با کشف اسناد تکان‌دهنده و مواد انفجاری بسیار از این مراکز، سازماندهی و تأمین نیازمندی‌های عناصر بمب‌گذار تا آغاز جنگ کاملاً به خارج از ایران منتقل شد.

۱. برای اطلاع از خرابکاری‌های تحت حمایت عراق در کل ایران و مخصوصاً خوزستان در بازه زمانی پایان بحران خلق عرب تا شروع جنگ ن.ک: (انصاری و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۵ تا ۱۲۹)؛ (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۲۶۲-۲۶۱).

۲. برای اطلاع بیشتر از برکناری حسن البکر و مسائل مربوط به آن ن.ک: (الساقی، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۰)؛ (تیمرم، ۱۳۸۲: ۱۴۴ تا ۱۴۱)؛ (سیمپسون، ۱۳۹۴: ۸۲ تا ۷۶)؛ (کاگلن، ۱۳۸۳: ۲۳۷-۲۳۶)؛ (میلر و میلروی، ۱۳۷۰: ۸۷ تا ۸۱).

نتیجه گیری

بحران خوزستان در سال ۱۳۵۸ ش یکی از چالش‌های پیچیده و چندبعدی بود که با محوریت عوامل داخلی و خارجی، آزمونی بزرگ برای نظام نوپای جمهوری اسلامی محسوب می‌شد. در این میان، نقش‌آفرینی چهار عامل کلیدی شامل دولت بعث عراق، سازمان سیاسی خلق عرب، شیخ شبیر خاقانی و تیمسار احمد مدنی، استاندارد وقت خوزستان، به‌طور ویژه برجسته است و درک تحولات این بحران بدون توجه به این عوامل ناقص خواهد بود.

دولت بعث عراق با مدیریت صدام، از همان ابتدای انقلاب اسلامی ایران، با برنامه‌ریزی‌های هدفمند درصدد بهره‌برداری از خلاء قدرت و ناآرامی‌های داخلی در ایران برآمد. ایجاد و تقویت سازمان‌های تجزیه‌طلب مانند سازمان سیاسی خلق عرب، ارائه کمک‌های مالی و تسلیحاتی گسترده، و برقراری آموزش‌های نظامی برای اعضای این گروه‌ها در داخل عراق از جمله اقدامات مستقیم این دولت برای بی‌ثبات‌سازی خوزستان بود. نقش عراق تنها به این اقدامات محدود نمی‌شد؛ تبلیغات گسترده رسانه‌ای از طریق رادیو و روزنامه‌ها، و حتی اعزام نیروهای خود به مرزهای ایران، نشان‌دهنده عزم عراق برای تجزیه خوزستان و تحقق رویای اشغال این استان نفت‌خیز بود. اقدامات عراق تأثیرات عمیقی بر تشدید بحران داشت، اما عدم موفقیت آن در جذب حمایت عمومی مردم خوزستان، یکی از عوامل شکست این طرح‌ها بود.

سازمان سیاسی خلق عرب به‌عنوان ابزار اصلی عراق در بحران خوزستان، نقش محوری در سازمان‌دهی و اجرای عملیات‌های تجزیه‌طلبانه داشت. این سازمان با شعارهایی نظیر خودمختاری خوزستان و به رسمیت شناختن زبان عربی به‌عنوان زبان رسمی، تلاش کرد احساسات قومی را تحریک کند و با بسیج گروه‌های محلی، یک ساختار شبه‌نظامی ایجاد نماید. سازمان سیاسی خلق عرب همچنین در چندین مورد به اقدامات مسلحانه از جمله حمله به مراکز دولتی، تخریب زیرساخت‌ها، و ایجاد ناامنی گسترده دست زد. با این حال، این سازمان در جلب حمایت عمومی مردم خوزستان ناکام ماند و پس از حوادث کلیدی نظیر تظاهرات گسترده شرکت‌کنندگان در مجلس ختم شهید رضایی در مسجد جامع خرمشهر و تبعید شیخ شبیر خاقانی، عملاً تضعیف شد و تأثیرگذاری خود را از دست داد.

شیخ شبیر خاقانی، به‌عنوان یکی از شیوخ بانفوذ منطقه و رهبر مذهبی بخشی از جامعه عرب‌زبان خوزستان، نقشی دوگانه و بحث‌برانگیز در این بحران ایفا کرد. وی که ابتدا به‌عنوان

مرجعی مذهبی ظاهر شده بود، به تدریج به یکی از حامیان اصلی جریان خلق عرب تبدیل شد و با اظهارات و اقدامات خود، در تشدید تنش‌ها نقش داشت. ارتباط نزدیک وی با عراق - از طریق پسرش - و حمایت آشکار از خواسته‌های تجزیه‌طلبانه، موجب شد که مسجد تحت کنترل وی به پایگاهی برای فعالیت‌های مسلحانه و تبلیغاتی خلق عرب تبدیل شود. با این حال، وابستگی شیخ شبیر به مشاورانی که از خارج حمایت می‌شدند، او را در مرکز بحران قرار داد. سرانجام، تبعید وی به قم و قطع ارتباطات گسترده‌اش با عراق، نقطه عطفی در سرکوب جریان خلق عرب بود و به تضعیف جدی بحران خوزستان منجر شد.

تیمسار احمد مدنی، به عنوان استاندار خوزستان، نقشی قابل توجه در مهار بحران داشت. وی با برخورد قاطع و بدون مماشات با جریان‌های تجزیه‌طلب، از جمله تعطیلی مراکز وابسته به عراق نظیر کنسولگری عراق در خرمشهر، نشان داد که مقابله با تهدیدات خارجی باید به عنوان اولوی ملی در نظر گرفته شود. او با استفاده از ظرفیت نیروهای نظامی، انتظامی و مردمی، توانست به تدریج امنیت را به منطقه بازگرداند. موضع‌گیری‌های قاطعانه مدنی در برابر جریان خلق عرب و مدیریت بحران در وقایع کلیدی، نظیر چهارشنبه و درگیری‌های خرمشهر، نقش بزرگی در شکست تجزیه‌طلبان داشت. هرچند برخی اقدامات وی مانند استفاده از نیروهای نظامی با انتقادات مخالفان انقلاب همراه شد، اما نتیجه نهایی، بازگشت آرامش نسبی به خوزستان بود.

بحران خوزستان در سال ۱۳۵۸ ش، نمونه‌ای از هم‌افزایی عوامل خارجی و داخلی برای ایجاد بی‌ثباتی در کشور بود. عراق با هدف تجزیه خوزستان و تسلط بر منابع نفتی این استان، برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای انجام داد و سازمان سیاسی خلق عرب را به عنوان بازوی عملیاتی خود به کار گرفت. شیخ شبیر خاقانی با اقدامات و مواضع خود، به یکی از عوامل کلیدی تشدید بحران تبدیل شد، درحالی که تیمسار احمد مدنی با برخورد قاطع و مدیریت بحران، به یکی از عوامل شکست این پروژه تبدیل گشت.

تجربه بحران خوزستان نشان داد که اتحاد مردم، مدیریت قاطع و برخورد هوشمندانه با عوامل داخلی و خارجی، می‌تواند حتی در بحرانی‌ترین شرایط نیز امنیت و تمامیت ارضی کشور را تضمین کند. این رویداد تاریخی همچنان الهام‌بخش مدیریت چالش‌های قومی و منطقه‌ای در ایران است و اهمیت هوشیاری در برابر تهدیدات خارجی و سوءاستفاده از تنوع قومی را به خوبی نمایان می‌سازد.

کتابنامه

الف) اسناد

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، شماره‌سندهای: ۰۹۰۳۰۵، ۰۹۰۳۰۷، ۰۹۰۲۹۹، ۰۳۴۶۷۸، ۴۵۰۸۰۷، ۵-۰۳۳۶۴۵، ۰۳۴۶۷۳، ۰۳۴۶۸۲، ۰۳۴۶۷۹، ۰۳۳۶۵۳، ۵-۱۱۲۵۳۳، ۰۰۰۰۴۵۴/گ، ۳۹۹۵، ۰۹۰۳۰۱-۱، ۲-۰۹۰۳۰۱، ۳-۰۹۰۳۰۱، ۹۰۲۸۸، ۸-۱۳۴۳۵۴، 114632-7، ۸-۱۱۴۶۳۳، ۵-۱۱۴۶۳۶، ۲۰۹۹۱۰، ۱۱۳۶۳۹، ۰۰۰۰۱۵، ۰۰۰۰۱۷، ۲۰۹۹۳۵، ۲۰۹۴۴۲.

ب) کتاب‌ها^۱

السامرای، وفیق، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه عدنان قارونی، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)، ۱۳۹۱، چ ۷.

الساقی، علی، قراردادهای و نیرنگ‌ها (زندگی و سرنوشت حسین کامل)، ترجمه محمدحسین زوآرکعبه، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)، ۱۳۸۷، چ ۲.

الکوارى، حمد عبدالعزيز، عملکرد شورای امنیت در جنگ ایران و عراق، ترجمه محمدعلی عسگری، تهران، نشر صریح (بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس)، ۱۳۸۷، چ ۲.

انصاری، مهدی؛ درودیان، محمد و نخعی، هادی، خرمشهر در جنگ طولانی، تهران، مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)، ۱۳۸۷، چ ۳.

پارسادوست، منوچهر، ما و عراق از گذشته دور تا امروز، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، چ ۱.

تیمرن، کنت آر، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۲، چ ۳.

۱. نویسندگان دو کتاب نخست از سران نظامی-اطلاعاتی حکومت عراق هستند و کتاب سوم هم نوشته یک دیپلمات قطری است. علاوه بر این‌ها بیشتر کتاب‌های انگلیسی که ترجمه آن‌ها استفاده شده‌اند از منابع عربی بهره برده‌اند. بسیاری از کتاب‌هایی که نویسندگان آنها ایرانی هستند نیز از منابع عربی و غربی مانند کتب خاطرات، روزنامه‌ها و اسناد مختلف استفاده کرده‌اند.

جمی، غلامحسین، **خاطرات حجت الاسلام والمسلمین غلامحسن جمی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، چ ۱.

جواهر کلام، عبدالحسین، **تربت پاكان قم (شرح حال مدفونین در سرزمین قم)**، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۳، چ ۱، جلد سوم.

حسین قزل‌ایاق، ایمان، **تاریخ تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران (۵ اردیبهشت تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹)**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰، چ ۱، جلد سوم.

حلمی، عبدالحمید؛ فخر، محسن و رستمی، محسن، **خلق عرب در خوزستان (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران)**، تهران، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۸، چ ۱.

خرمّی، محمدعلی (گردآورنده و مترجم)، **جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل متحد (۱۹۸۰-۱۹۸۲)**، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدّس، ۱۳۸۷، چ ۱، جلد اوّل.

درودیان، محمد، **اجتناب‌ناپذیری جنگ (مجموعه نقد و بررسی جنگ ایران و عراق؛ ج ۲)**، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)، ۱۳۸۵، چ ۳.

دفتر حقوقی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، **تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۱، چ ۱.

سیمپسون، جان، **فرجام دیکتاتور**، ترجمه عسگر قهرمان‌پور بناب، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴، چ ۴.

شاه علی، احمدرضا و موحدیان، احسان، **تاریخ تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران (۲۲ بهمن ۱۳۵۷ - ۱۳ آبان ۱۳۵۸)**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، چ ۱، جلد اوّل.

قانع‌ی فرد، عرفان، **پس از شصت سال (زندگی و خاطرات جلال طالبانی؛ ۱۹۳۳-۱۹۶۶)**، جلد اوّل، تهران، نشر علم، ۱۳۸۸، چ ۱.

کاگلن، کان، **صدّام: زندگی مخفی**، ترجمه نادر افشار و فروغ چاشنی‌دل، تهران، مؤسسه انتشارات عطائی، ۱۳۸۳، چ ۱.

کردزمن، آنتونی و واگنر، آبراهام، درس‌های جنگ مدرن (جنگ ایران و عراق)، ترجمه حسین یکتا، تهران، انتشارات مرز و بوم (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)، ۱۳۹۰، چ ۳، جلد اول.

کینگ، رالف و کارش، افرایم، جنگ ایران - عراق: پیامدهای سیاسی تحلیل نظامی، ترجمه سید سعادت حسینی دمایی، تهران، مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)، ۱۳۸۷، چ ۱.

میلر، جودیت و میلروی، لوری، صدام حسین و بحران خلیج فارس، ترجمه احمد قاضی، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۷۰، چ ۱.

ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه‌های حقوق بشر، تهران، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، ۱۳۷۲، چ ۱.

والدهایم، کورت، کاخ شیشه‌ای سیاست، ترجمه میرعبدالرحمن صدریه، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۶، چ ۱.

هدایتی خمینی، عباس، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران (تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۷۰، چ ۱.

یکتا، حسین، بحران در خوزستان (روزشمار جنگ ایران و عراق؛ کتاب دوم)، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)، ۱۳۸۷، چ ۲.

ج) نشریات

باوریان، فریده، «تبیین رفتار نهضت آزادی در عرصه تحولات انقلابی ایران (از آغاز نخست-وزیری آموزگار تا تشکیل دولت موقت مهندس بازرگان)»، دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، تهران، سال ششم، شماره ۱۲، پائیز و زمستان ۱۴۰۳، صص ۴۴۳-۴۰۵.

روزنامه آیندگان، شماره‌های: ۵۸/۳/۲، ۵۸/۳/۹، ۵۸/۳/۱۳.

بحران خوزستان در سال ۱۳۵۸ ش (با تکیه بر نقش عوامل داخلی و خارجی)..... ۲۱۹

روزنامه اطلاعات، شماره‌های: ۵۷/۱۲/۲۰، ۵۸/۱/۶، ۵۸/۱/۲۱، ۵۸/۲/۳، ۵۸/۲/۸، ۵۸/۲/۲۵، ۵۸/۳/۹، ۵۸/۳/۱۰، ۵۸/۳/۱۲، ۵۸/۳/۱۳، ۵۸/۳/۲۰، ۵۸/۳/۲۶، ۵۸/۳/۲۸، ۵۸/۳/۳۱، ۵۸/۴/۲، ۵۸/۴/۱۸.

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره: ۵۸/۴/۲۳.

روزنامه جمهوری اسلامی، شماره‌های: ۵۸/۳/۱۷، ۵۸/۴/۲۵، ۵۸/۴/۲۶، ۵۸/۴/۳۱.

روزنامه کیهان، شماره‌های: ۵۷/۱۲/۲۸، ۵۸/۲/۶، ۵۸/۳/۱۹، ۵۸/۳/۲۶، ۵۸/۳/۲۷، ۵۸/۹/۲۹. عالمیان، علی‌اکبر، «بررسی و نقد انقلابی‌گری در اندیشه و رفتار مهندس مهدی بازرگان»، دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، تهران، سال چهارم، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۱۹۹-۲۲۵.

قنواتی، مهدی، «بررسی انتقادی معرفی شیخ شبیر خاقانی در پژوهش‌های انقلاب اسلامی»، دوفصلنامه تاریخ‌نامه انقلاب، تهران، سال ششم، شماره ۱۲-۱۱، پائیز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۱۶-۱۳۶.

د) سایت‌ها

سایت اخبار روز، مصاحبه با طاهر حلمی‌زاده از مؤسسان کانون فرهنگی خلق عرب، akhbar.rooz.com، ۹۲/۳/۸.

سایت پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، بحران در خوزستان و زمینه‌های جنگ ایران و عراق، dsrsrc.ir.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ضمائم^۱



تصویر شماره ۱. قطعنامه تحصن کنندگان در فرمانداری خرمشهر در اعتراض به اقدامات خلق

عرب (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.بازیابی: ۴۴۹۳۹۲ ۳۵)

۱. در این بخش، تصاویر تعدادی از مهم‌ترین اسنادی که به صورت مستقیم در نگارش مقاله حاضر استفاده شده است یا به نوعی به مطالب مطرح شده ارتباط دارد، ضمیمه می‌گردد. لازم به ذکر است که تمامی اسناد از آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دریافت شده و ترتیب آن‌ها نیز بر اساس تاریخ مندرج در سند است.



از: ستاد نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران (عملیات پست فرماندهی دریایی خرمشهر)
به: وزارت کشور - جمهوری اسلامی ایران (دفتر وزارت)
موضوع: پایگاه دریایی خرمشهر (کلن)

شماره: ۳/۰۷۱۵۰
تاریخ: ۵۸/۳/۷
پیوست:

برابر گزارش پایگاه دریایی خرمشهر در مورخه ۵۸/۳/۷ ساعت ۰۶۰۰ سه نفر مسلح یوسیله در زبان خلع سلاح و اسلحه بنای آنان که شامل یک ۳ و یک پونو و یک اسلحه روسی بود ضبط و یک نفر دستگیر گردید که به زبان آبادان اعزام شد. خلق عرب برادر شبیر خاقتی - سرا - تقاضای اعاده سلاح را نموده و اظهار میدارد که در حال مذاکره برای خلع سلاح میباشد - که در این مورد تذکر داده شد حمل سلاح غیر قانونی میباشد - در ضمن تعداد زیادی از جوانان عرب زبان هم اکنون جلوی منزل شبیر خاقتی تجمع نموده اند و اظهار میدارند باید شدت عمل بخرج داد - مراتب جهت استحضار به عرض میرسد -

در نظر
رئیس ستاد نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران - دریادار مدنی
دریادار علوی

گیرندگان:

- ۱- وزارت دفاع (دفتر وزارت) جهت استحضار
- ۲- ریاست ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران (مرکز فرماندهی) جهت استحضار

۰۰۱۰ الف - ش

این سند بطور خود به خود پیرامین هر روز زمان از طبقه بندی خارج شد.

۳۵۲۵
۵۸/۳/۱۲

تصویر شماره ۲. گزارش ستاد نیروی دریایی ارتش درباره خلع سلاح و دستگیری تعدادی از چریک‌های خلق عرب (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.بازیابی: ۱۳۴۳۵۴)

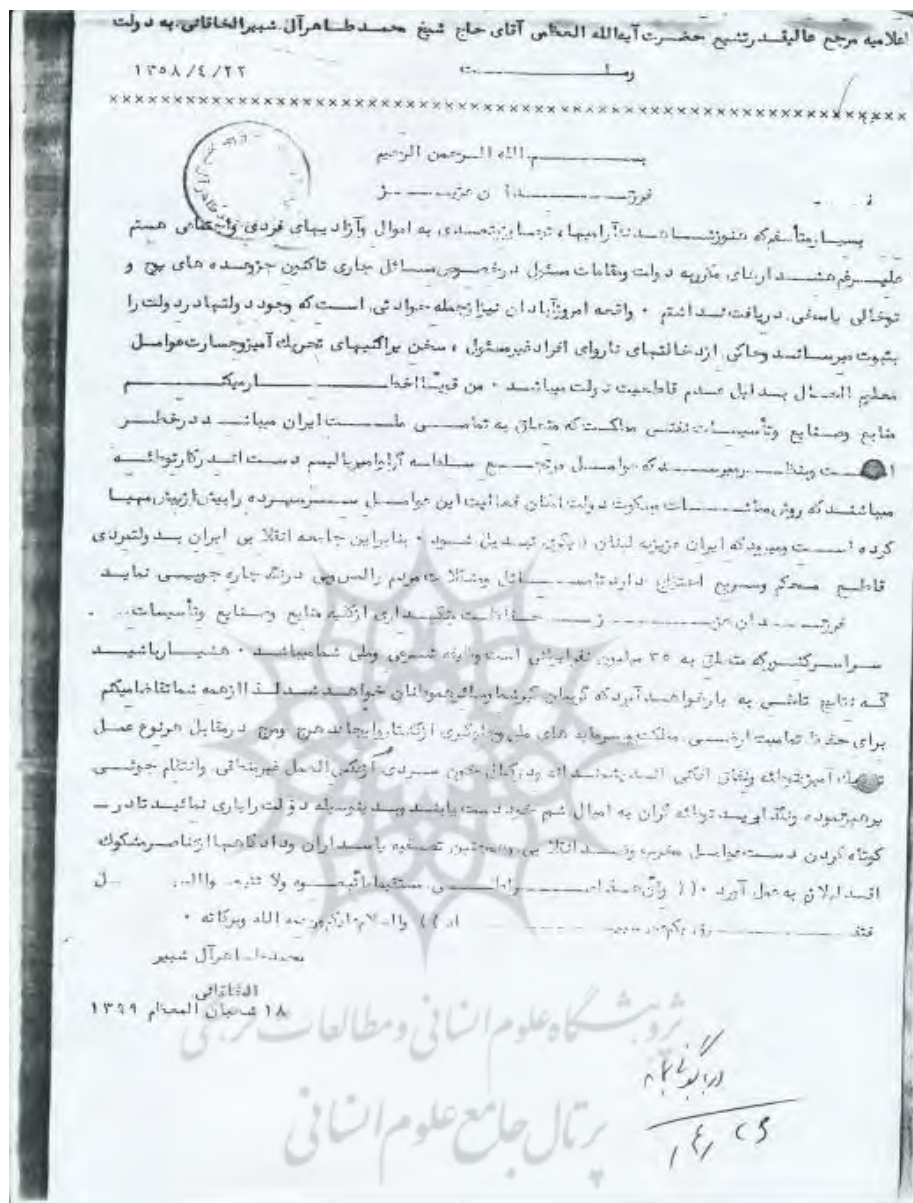


تصویر شماره ۳. گزارش ستاد کل ارتش به وزارت کشور درباره ورود چریک‌های عراقی به خوزستان (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.بازیابی: ۳۹ ۴۴۹۳۹۳)



تصویر شماره ۴. گزارش وزارت کشور دربارهٔ ورود خودروهای عراقی به مرز خوزستان برای

اقدامات اطلاعاتی (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.بازیابی: ۴۸ ۴۴۹۳۹۲)



تصویر شماره ۵. اعلامیه شیخ شیر خاقتانی و انتقاد شدید از دولت و نیروهای انقلابی (مرکز

اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.بازیابی: ۴۳۲۷۷۲)



اسناداری خوزستان

اعلامیه شماره (۱)

مهر ۲۲/۴/۵۸

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدا و بنام خلق مبارز عرب

بنابه مقتضیات و اوضاع حاکم بر منطقه عربستان که بر اثر ترطه های ارتجاع و نزاع پرستان فارس و نیز عناصر وابسته به اجنبی که هدفی جز خدمت به اربابان و ناپیدی روح انقلابی خلقهای ایران و بخصوص خلق عرب که هم اکنون از هر طرف مورد تهاجم و حشایانه قرار گرفته تا بدین وسیله نهضت نریای این خلق محروم را در آن هان عمری و بلاخره انقلابیون و رزمندگان آزاد پخته راه ایران در گریز جلوه دهند تا بتوانند به مقاصد شوم خود که همانا به استثمار گرفتن هر چه بیشتر خلقهای ایران و در رأس آنها خلق عرب باشد ادامه دهند ولی هیبت د یگراین خلق به پا خراسته تا به دست آوردن خود مختاری کامل که خواست دیگر خلقهای ایران نیز میباشد از ساری نخواست نشست و در کنار سایر خلقها خواهد ماند و به مبارزه خود با مرتجعین و فاشیستها و مخصوصا فاشیستهای ادامه خواهد داد تا یک ایران د مکرانیک وجود آمده که در آن عرب - کرد - بلوچ - ترکمن و دیگرانلیت های ایرانی بطور د مکرانیک و ارزندگی کنند .

لذا ما جوانان مؤسس سازمان چریکی صاعقه بنابه معتقدات قوی و بمنظور دفاع از حقوق حقه خلق عرب و چهارچوب اسلامی ایران بر اساس سند روح آئین نامه موجود یک خود را اعلام میداریم .
۱- هدف اساسی سازمان چریکی صاعقه مبارزه برای بدست آوردن خود مختاری د چهارچوب جمهوری اسلامی ایران .

۲- سازمان چریکی صاعقه مبارزه سیاسی و اقتصادی را با د ولت کونی و بعدی را تا زمانیکه حقوق خلق عرب و سایر خلقهای ایران را محترم نشمارد ادامه خواهد داد .
۳- سازمان چریکی صاعقه تابع هیچ گونه اید و لوی بخصوص نمیشاند .
۴- سازمان چریکی صاعقه هرگونه تجزیه طلبی و یا نظائر آن که بتامی ارضی ایران لطمه بزند شدیدا محکم میکند .

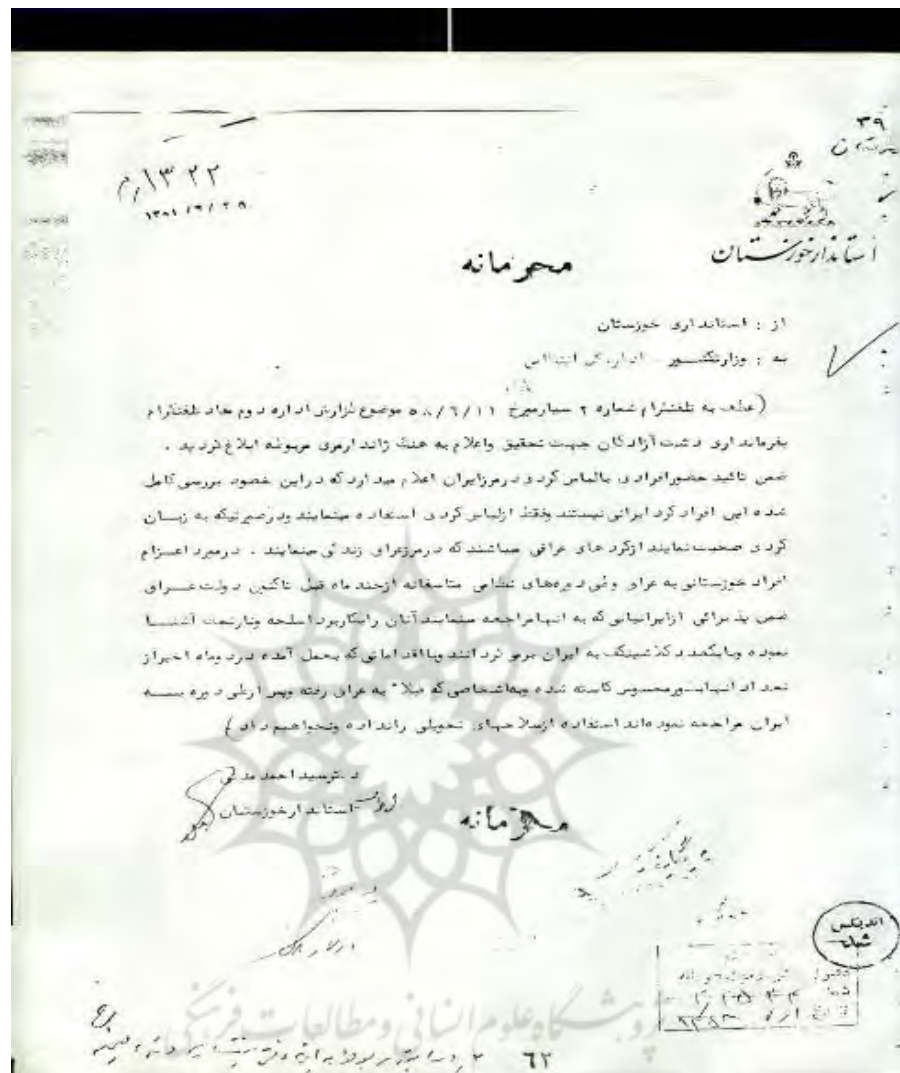
۵- سازمان چریکی صاعقه از تمام گروههای مترقی و آزاد پخواه پشتیبانی و همکاری خواهد کرد .

سازمان چریکی صاعقه



تصویر شماره ۶. اعلامیه اعلام موجودیت سازمان چریکی صاعقه (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع

مقدس، ش. بازیابی: ۱۴۳۳۶۲)



تصویر شماره ۷. گزارش استانداری خوزستان درباره دادن آموزش های نظامی و تحویل سلاح و مهمات به ایرانیان داوطلب از سوی عراق (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ش.بازیابی:

(۶۲ ۴۴۹۳۹۳)